

جرج شولتز: تداوم تماس با تهران



دوشنبه ۶ بهمن ۱۳۶۵ برابر ۲۶ ژانویه ۱۹۸۷
بها ۶۰ ریال - سال سوم - شماره ۱۴۲

هدف شولتز از افزایش تماس لندن، نشان دادن نظر "سیا" مبنی بر تداوم تماس با تهران و تداوم تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی است. خود شولتز برای بی‌تقصیر جلوه دادن وزارت امور خارجه آمریکا در افتضاح روابط با جمهوری اسلامی این یز را گرفته است که با ادامه تماس با تهران موافق است، بدون این که صحبت بقیه در صفحه ۲

صورت گرفته است. نمایندگان جمهوری اسلامی در ملاقات ۶ دسامبر با نمایندگان "سیا" خواهان آن شده‌اند که صدور اسلحه از سوی آمریکا به ایران همچنان ادامه یابد. شولتز، طبق معمول، در هنگام توضیح مضمون این ملاقات، چاشنی "تداوم مذاکره در مورد آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان" را نیز بر آن افزود.

در روز ۵ شنبه ۲۲ ژانویه (۲ بهمن) جرج شولتز، وزیر امور خارجه ایالات متحده در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا فاش ساخت که تماس "سیا" با مقامات جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. یکی از موارد این تماس‌ها در روز ۶ دسامبر (۴ هفته پس از برپا شدن فضیحت روابط آمریکا و جمهوری اسلامی) بوده است. این تماس در لندن

جنایتکاریهای بیشتر در تداوم برآمد جنگ ارتجاعی

جنایتکار خمینی و صدام حسین، در طول هفته گذشته، همچنان که گفتیم، هر دقیقه یک خمپاره بر بصره فرود می‌آمد. دوبار نیز این شهر را به موشک بستند. در روزهای یکشنبه ۲۸ دی و جمعه ۲ بهمن بغداد مورد حمله موشکهای زمین به زمین جمهوری اسلامی قرار گرفت. به خائنین نیز بقیه در صفحه ۲

هنوز در محور شلمچه، در دریاچه ماهی و جزایر کوچک حول وحوش این محور در شط العرب درگیریهای خونبار ادامه دارد. اما این منطقه کوچک که هر متر پیش روی یا پس روی در آن به قیمت صدها کشته از هر دو طرف تمام می‌شود، تنها کانون درگیری نیست. شهرها نیز همچنان عرصه‌ای است برای به جلوه درآمدن سببیت هر دو رژیم

* هدف، کشتارهای هر چه وسیعتر است * جنگ شهرها باشد ادامه دارد

نبردها همچنان حول دریاچه ماهی جریان داشت. با این که در اطلاعیه‌های نظامی جمهوری اسلامی از تصرف چهار جزیره در شط العرب و پیشرویهای از این دست، و در اطلاعیه‌های نظامی عراق از پس راندن نیروهای مهاجم سخن می‌رفت، هر دو طرف هدف خود را اساساً کشتار هر چه بیشتر از طرف مقابل قرار داده بودند. رفسنجانی هدف اصلی حملات را "ذوب کردن ماشین جنگی عراق" توصیف کرد.

توصیف اعلامیه‌های نظامی عراق از وضعیت بر روی عباراتی از قبیل "کوههایی از جنازه سربازان ایرانی" متمرکز بود. عراق اعلام کرد حملات را دفع کرده است و توانسته است مناطق تصرف شده در غرب شط العرب را پس بگیرد و کانون درگیریها را به سوی شرق دریاچه ماهی انتقال دهد.

جنگ در آغاز هفته گذشته، در ادامه حملاتی که جمهوری اسلامی با کدهای کربلای ۴، ۵ و ۶ آغاز کرده است، برآمد خونباری یافت. تبلیغات جنگی رژیم در روزهای یکشنبه و دوشنبه هفته گذشته می‌خواست این شبهه را ایفا کند که سقوط بصره نزدیک است. آنها در تبلیغات خود تا ۱۰ کیلومتری و حتی ۵۰۰ متری بصره پیش رفتند.

فشار بر روی بصره در این روزها بسیار سنگین بود. هنوز نیز از سنگینی فشار بر روی این شهر کاسته نشده است. خبرنگاران در هفته گذشته گزارش کردند که هر دقیقه یک خمپاره بر روی این شهر شلیک می‌شود. مردم دسته دسته شهر را ترک می‌کردند و به سوی شمال عراق می‌رفتند. اکنون تا حدی از شدت خروج جمعیت از بصره کاسته شده است.



عکسی از یک خانه ویران شده در اسفهان پس از حمله هوایی روز ۲۱ دی

واکنش‌های بین‌المللی در قبال جنگ ایران و عراق

تشکیل شود تا با استقرار در سرزمین ایران و عراق از تداوم جنگ جلوگیری کند. این نخستین باری است که قذافی این ساله صلح بین ایران و عراق را پیش می‌کشد. * حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در مصاحبه با روزنامه القیس اعلام کرد که در برابر تصرف احتمالی بصره از سوی ایران، سوریه نیز - که تاکنون به نفع جمهوری اسلامی موضع می‌گرفته است - علیه تهران واکنش نشان خواهد داد. حافظ اسد در این مصاحبه از همبستگی عربی سخن گفت و اعلام کرد ما خاک کشور عراق را همچون خاک کشور خودمان عزیز می‌داریم. این نوع موضع‌گیری از سوی سوریه همچون پیشنهاد جدید قذافی در نوع خود تازگی دارد.

* جنگ ایران و عراق یکی از مهمترین مسائل مورد بحث در کنفرانس کشورهای اسلامی" که در روز دوشنبه ۶ بهمن در کویت برگزار می‌شود، خواهد بود. در روز سه‌شنبه هفته گذشته وزیر خارجه کویت بار دیگر از جمهوری اسلامی خواست که در این کنفرانس شرکت کند. جمهوری اسلامی برای چندمین بار این درخواست را رد کرد. حافظ اسد رئیس جمهور سوریه در این کنفرانس شرکت خواهد کرد. اما قذافی اعلام کرده است که به دلیل شرکت مصر در این کنفرانس، لیبی نماینده به کویت نخواهد فرستاد.

* سرهنگ قذافی رهبر لیبی پیشنهاد کرد که نیروی حافظ صلح مشترکی از کشورهای اسلامی

* شورای امنیت سازمان ملل از ایران و عراق خواست بلادرنگ جنگ را متوقف سازند. به دنبال تشکیل جلسه اعضای شورای امنیت این شورا تکرانی عمیق خود را از برآمد جنگ و حمله لطفین به هدفهای غیرنظامی اعلام کرد. خاویر پرنزد کوئیاردیبر کل سازمان ملل از شورای امنیت خواست به تلاشهای خود برای متوقف ساختن جنگ ادامه دهد.

* رابرت موکابه رئیس جنبش عدم تعهد اعلام کرد که در تدارک ابتکار جدیدی از سوی این جنبش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق است. موکابه لی مصاحبه‌ای در حاره نگرانی عمیق جنبش عدم تعهد را از تداوم این جنگ و اوج‌گیری آن ابراز داشت.

در این شماره

● تابنده باد مشعل رزم فدائیان! در صفحات ۹ و ۸

● کردستان: سرزمین رنج و رزم در صفحات ۶ و ۷

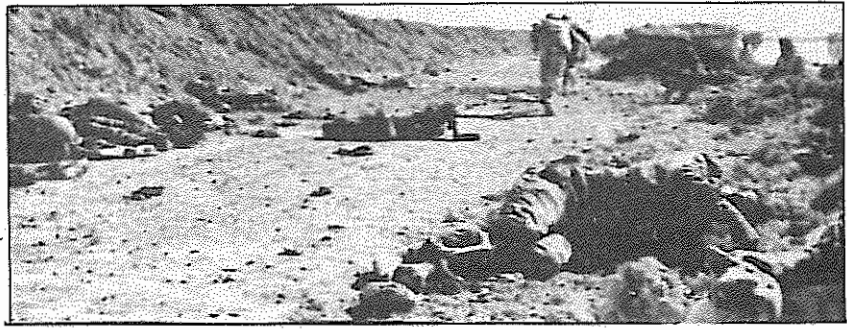
● آمریکا: تظاهرات همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در صفحه ۱۳

● ۱۴ سازمان دانشجویی جهان ادامه جنگ را محکوم کردند در صفحه ۲

حزب همانگونه که هست
المرآب و کونیا دبیرکل حزب کمونیست پرتغال
در صفحات ۱۱ و ۱۲

عده‌ای از ناظرین نظامی معتقدند که جمهوری اسلامی، در صورتی که در پیشروی خود در جبهه جنوبی به قیمت ده‌ها هزار کشته موفق شود، محاصره گزانشهری بصره و کوبیدن مداوم آنرا به منظور تخلیه شدن کامل شهر، بر تصرف نظامی آن ترجیح خواهد داد.

مانع رژیم برای تصرف بصره تنها قدرت خط دفاعی آن نیست. تصرف بصره به جنگ ابعاد منطقه‌ای خواهد داد. کویت اکنون به حالت آماده‌باش در آمده است. همه



جنایتکارهای بیشتر در تداوم برآمد جنگ ارتجاعی

بقیه از صفحه اول

یک موشک شلیک شد. بر اثر آتشباری بر روی سلیمانیه بنا بر اطلاعات عراق ۳۶ نفر کشته و ۹۸ تن زخمی شدند. در این هفته حملات هوایی جمهوری اسلامی بر روی شهرهای مقدادیه و اربیل متمرکز بود.

بر اساس آخرین اخباری که بعد از ظهر روز یکشنبه ۵ بهمن از رادیو جمهوری اسلامی پخش شد ۲ موشک دیگر به سوی شهر بصره و ۲ موشک به سوی شهر خائقیین پرتاب شد.

در هفته گذشته، همچون سه هفته پیش، تنها جنازه‌هایی که از جبهه‌های شهرها می‌آوردند، مردم را عزادار نمی‌ساخت. جنگ در جلوی چشم همه مردم آشکارا مجسم بود. هواپیماهای عراقی مداوم سربازان و شهروان را به موشک می‌بستند. تهران، تبریز، ایلام، دزفول، همدان، باختران، اهواز، اراک، قم، اندیشک، اصفهان، بانه، خرمشهر، بروجرد، دورود، خرم‌آباد، ملایر، زنجان، کاشان و ... این فهرست طویل نام شهرهایی است که مورد حملات هوایی قرار گرفته‌اند. بر شهرهایی چون تبریز، تهران، قم و اصفهان چندین بار داغ سهمگین موشک‌هایی که از نظر خمینی نعمت آسمانی هستند، نشسته است. هر موشک یعنی ده‌ها صدها کشته و مجروح. از میان کشته شدگان و مجروحین دربی هر حمله نمی‌توان رقم دقیقی ارائه داد. درشتی سهمگین ارقام نیز حتی عق جنایات دورریم را آنکونه که در واقعیت هست، آشکار نمی‌سازند. تعداد کشته‌ها در پس هر حمله آنقدر زیاد است که در آوردن جنازه‌ها از زیر آوارمدها طول می‌کشد.

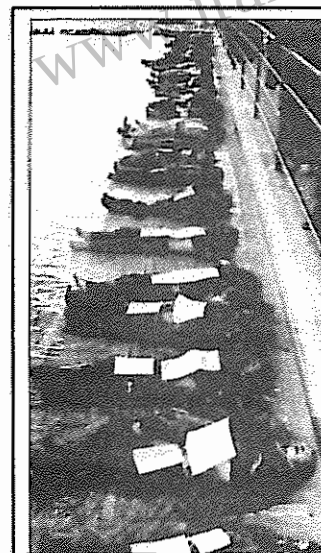
موقعیت کنونی جنگ

به لحاظ نظامی

فشار اصلی جمهوری اسلامی همچنان بر روی بصره متمرکز است. همه اطلاعات و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که نوک تیز حمله جمهوری

اسلامی همچنان متوجه بصره خواهد بود. به لحاظ موقعیت جغرافیایی و اقلیمی، فصل سرما از نظر نظامی مساعدترین هنگام برای پیشبرد جنگ در جبهه ناحیه بصره است. در تبلیغات جمهوری اسلامی نیز همچنان هدف مقدم درگیری در حول بصره اعلام می‌شود. اکنون رژیم تبلیغات خود را بر روی دست زدن به حمله وسیعی در فاصله روزهای ۱۲ تا ۲۲ بهمن (به قول خودشان دهه فجر) متمرکز کرده است.

نسبت تعداد نیروهای متمرکز در کاشان درگیرهای اخیر ۴ به ۱ برآورد می‌شود. ۴ جمهوری اسلامی را عراق. جمهوری اسلامی همچنان دست اندرکار بسیج نیرو است. اعلام کرده‌اند که به زودی مرحله سوم همه کودکان ۱۰ ساله، ۱۱ ساله، ۱۲ ساله، ۶۵ نفر، قربانیان حمله هوایی جنایتکارانه عراق به مدرسه‌ای در شهر بروجرد در روز ۲۰ دی، این است حاصل جنگی که خمینی پلید نعمت آسمانی می‌خواند. خمینی جنایتکار همه کودکان را این گونه می‌خواهد: آنان که در جبهه قربانی نشوند، باید در جنگ شهرها قربانی گردند.



در ایران تنها بروجرد شاهد چنین صحنه‌ای نبوده است. این روزها بر تهران نیز چنین رفته است، بر سوسن‌سرد، دزفول، اهواز، اندیشک، بانه، تبریز، زنجان، اراک، اصفهان، ایلام و شهرهای دیگر نیز. همه این چنین داغدار گشته‌اند. هر بمب و موشکی که فرود می‌آید شهری عزادار می‌شود و در برابر، لبخند دیگری بر لبان کربیه خمینی نقش می‌بندد. خامنه‌ای، رئیس جمهور رژیم خمینی، در نماز جمعه روز ۲ بهمن "نعمت‌های آسمانی" جنگ شهرها را چنین برشمرد: در طول این ۱۵ روز عراق به ۲۹ شهر کشور حمله کرده و بر شهرها بمب ریخته است. ۹۶ بار این حمله‌ها تکرار شده و علاوه بر این ۱۷ مرتبه ۲۹ موشک به شهرهای ایران

اطلاعات بیست و نهم دیماه ۱۳۶۵

برای تداوم عملیات پیرومندان اسلام
وزارت آموزش و پرورش از
کلیه فرهنگیان و دانش‌آموزان
دعوت کرد به صفوف سپاهیان
محمد (ص) پیوندد

کشورهای عربی و از جمله سوریه و لیبی نیز به جمهوری اسلامی هشدار می‌دهند که از این مساله ساده نخواهند گذشت. از این زاویه نیز تاکید مکرر رهبران جمهوری اسلامی مبنی بر این که هدفشان در جبهه جنوبی صرفا دست زدن به وسیع‌ترین کشتارهاست و نه تصرف بصره، معنی خاصی پیدا می‌کند.

اشپیکل: مداخله آمریکا

پس از این که هفته نامه اشپیکل چاپ آلمان فدرال از امکان مداخله آمریکا در جنگ ایران و عراق خبر داد، گزارش‌های بیشتری در این رابطه انتشار یافت. اشپیکل دو هفته پیش خبر داده بود که آمریکا مترصد است که در هماهنگی با مصر بلافاصله پس از تصرف احتمالی بصره از سوی جمهوری اسلامی به مداخله مستقیم مبادرت ورزد و از همین نظر آماده است بخشی از قوای خود را که در اروپا متمرکز ساخته است از طریق ترکیه و نیز از راه دریا وارد منطقه خلیج فارس سازد.

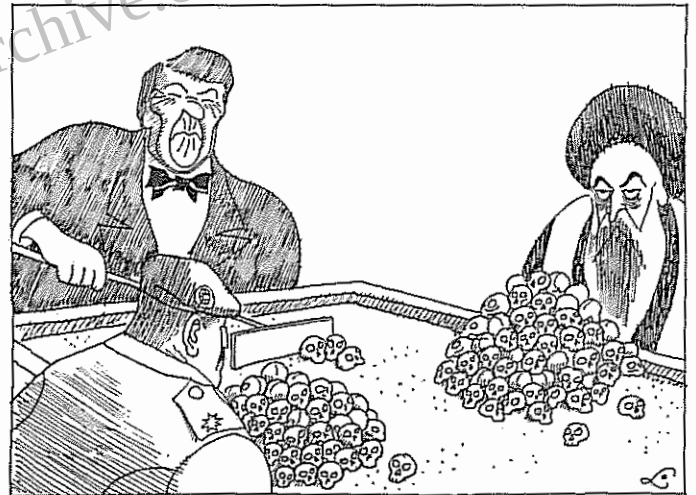
برخی از نقل و انتقالات نظامی آمریکا در هفته گذشته نشان داد که گزارش اشپیکل بر اساس حدس و گمان نبوده است. در اوایل هفته گفته شد که ناو هواپیمابر کیتی هاوک به سوی خلیج فارس در حرکت است تا به دیگر کشتی‌های جنگی آمریکایی در این منطقه ملحق شود. در اواخر هفته ناو هواپیمابر جان اف. کندی و ۲۷ کشتی جنگی دیگر در دریای مدیترانه دست به یک مانور نظامی با عنوان

جرج شولتز: تداوم تماس با تهران

بقیه از صفحه اول

مسائلی وجود دارد که کار مشترک ما با آنها را امکان پذیر سازد. آنچه که شولتز، در موردی که به آن اشاره داشتیم، گفته است، سیاست رسمی کنونی واشنگتن در قبال جمهوری اسلامی است. اما واشنگتن سیاستهای "غیر رسمی" خودش را هم دارد. همچنان که جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی نیز رسماً منکر رابطه گیری با آمریکا است اما در خفا چشم به واشنگتن دارد. هر دو دولت برای پیش برد "سیاست های غیر رسمی" خود ارگانها و امکانات ویژه ای را دارند. آن یک "سیا" را دارد و این یک مامورین ویژه ای برای تحکیم رابطه با آمریکا، علایق مشترک هم که فراوان است. ۶ دسامبر در لندن ملاقات داشتند، از آن هنگام تاکنون در کجا دیدار کرده و چه قرار و مدارهایی گذشته اند؟ این را زنجیر دیر یا زود از پرده برون خواهد افتاد. "علایق مشترک" آن قدر زیاد است که این گونه تماسها تا دیر زمان در پوسته تنگ مخفی کاری ننگند.

صدور اسلحه به ایران مطرح باشد. شولتز پیش از این در روز ۶ ژانویه نظر خود را در مورد تداوم رابطه با جمهوری اسلامی و تحکیم آن این چنین فرموله کرده بود: "واشنگتن و تهران علایق مشترک کافی برای امکان پذیر ساختن روابط گرمتر را دارند، حتی اگر از فروش اسلحه آمریکایی بیشتری سخن در میان نباشد." (لوس آنجلس تایمز - ۷ ژانویه ۸۷). شولتز مفهوم "علایق مشترک" را این گونه باز کرده بود: "ایران نیازها و مشکلات خودش را دارد که بعضاً از موقعیت جغرافیایی آن در یک منطقه استراتژیک در خاورمیانه که هم مرز با شوروی است، ناشی می شود. واشنگتن آماده است در رفع این مشکلات به تهران کمک کند. "شولتز در ادامه این اعلام نظر، تاکید کرده بود: "ایرانی ها دارای یک مرز طولانی با اتحاد شوروی هستند. آنها مساله افغانستان را بیخ گوش خودشان حس می کنند. بنابراین



کرد. پاسخ جمهوری اسلامی از پیش مشخص بود: تداوم جنگ. جنگ ادامه دارد و کشتار در بن بست هر روز از کشته ها پشته می سازد. هر دور از کشتار بر دانه و وسعت چنایتکارهای بعدی می افزاید و زمینه خونریزیهای بیشتر و بیشتری را فراهم می کند. این جنگ جنگلی است که هر چه در عرق آن بیشتر پیش می روند سردرگم تر می گردند. بن بست از پی بن بست. در جنگل مرگبار این جنگ تنها صدای رهگشا و نور درخشنده راهبر این است: مرگ بر جنگ! مرگ بر خمینی! زنده باد صلح و آزادی!

"هفته ملی" زدند. در جنوب ترکیه نیز آمریکا حرکات نظامی مشهودی داشت. از گفته های رونالد ریگان در مورد جنگ ایران و عراق در روز جمعه ۲ بهمن این تعبیر به عمل آمد که سیاست آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق همچنان تداوم این جنگ است بدون این که آن چنان چرخشی در آن به عمل آید که یک طرف بتواند خود را پیروز نهایی بنامد.

تداوم کشتار در بن بست

صدام حسین در روز ۵ شنبه هفته گذشته پیشنهاد صلح خود را تکرار

۱۴ سازمان دانشجویی جهان ادامه جنگ و ارسال اسلحه به ایران را محکوم کردند

ما سازمانهای شرکت کننده در ششمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هند (SFI) در شهر وچیراودا - هندوستان نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه جنگ ۷ ساله ایران و عراق ابراز میداریم. جنگی که تاکنون ۷۰۰ هزار نفر از مردم دو کشور را قربانی کرده، میلیونها نفر زخمی و بی خانمان بجا گذاشته و میلیونها دلار از ثروت ملی دو کشور را به هدر داده است.

ما خواهان قطع فوری جنگ از طریق مذاکرات سیاسی که خواست مشترک مردم دو کشور ایران و عراق در جهت کاهش تشنج در منطقه خلیج فارس و به سود صلح جهانی است، می باشیم. ما معامله سری اسلحه ایالات متحده با ایران توسط دولت ریگان را محکوم و آنرا در راستای میلیتاریزه کردن منطقه و گسترش دامنه جنگ می دانیم.

ما از تلاشهای سازمان ملل متحد، جنش کشورهای غیر متعهد و سایر نیروهای مترقی جهان برای دعوت به صلح و پایان دادن به جنگ حمایت می کنیم. جنگ ایران و عراق باید پایان یابد.

- ۱- شورای دانشجویان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (کسومول)
- ۲- فدراسیون سراسری دانشجویان چین.
- ۳- اتحادیه دانشجویان مغولستان.
- ۴- کنگره ملی آفریقا.
- ۵- سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان.
- ۶- اتحادیه دانشجویان بنگلادش.
- ۷- فدراسیون ملی دانشجویان نپال.
- ۸- فدراسیون دانشجویان هند.
- ۹- اتحادیه دانشجویان پیشرو نپال.
- ۱۰- انجمن جوانان هندی در بریتانیا.
- ۱۱- سازمان دانشجویان پیشگام ایران.
- ۱۲- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - هند.
- ۱۳- جبهه خلق برای آزادی فلسطین (بخش دانشجویی - هند)
- ۱۴- انجمن دانشجویان عراقی در هند.

همبستگی با فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ما سازمانهای شرکت کننده در ششمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هندوستان در شهر وچیراودا - هندوستان همبستگی خود را با مردم و سازمانهای مترقی ایران که علیه رژیم سرکوبگر و قرون وسطایی خمینی می رزمند، اعلام می کنیم. ما عمیقاً نگران خطری هستیم که جان زندانیان سیاسی در ایران را تهدید می کند.

ما مطلع هستیم که اخیراً رژیم خمینی به منظور سرکوب مبارزه انقلابی و مترقی توده های خلق ایران، عده ای از کادرها و اعضای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را دستگیر کرده است. آنها در زندانهای جمهوری اسلامی تحت شکنجه های شدید جسمی و روانی قرار دارند. ما نگرانی خود را نسبت به زندگی این انقلابیون ابراز می داریم و اعدام انقلابیون در جمهوری اسلامی ایران را شدیداً محکوم می کنیم.

ما قویاً از مبارزات مردم ایران و سازمانهای مترقی منجمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای سرنگونی رژیم قرون وسطایی خمینی حمایت می کنیم.

- ۱- اتحادیه دانشجویان بنگلادش.
- ۲- فدراسیون ملی دانشجویان نپال.
- ۳- فدراسیون دانشجویان هند.
- ۴- انجمن جوانان هند در بریتانیا.
- ۵- اتحادیه دانشجویان پیشرو نپال.
- ۶- انجمن دانشجویان عراقی در هند.
- ۷- جبهه خلق برای آزادی فلسطین (بخش دانشجویی - هند)
- ۸- سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران - هند.

مذاکرات پیرامون عادی سازی روابط جمهوری اسلامی با دولت فرانسه

علی آهنی مدیر بخش اروپا و آمریکا در وزارت امور خارجه بمدت سه روز مذاکراتی را با مقامات دولت فرانسه به انجام رساند. وی در روز دوشنبه ۱۹ ژانویه با ژاک شیراک نخست وزیر و ژان برنارد ریمون وزیر امور خارجه فرانسه ملاقات کرد و پیام هایی از موسوی و ولایتی را به آنان تسلیم نمود. علی آهنی در مصاحبه مطبوعاتی متعاقب این ملاقات ها، مذاکرات را "اولانی و بسیار جالب" توصیف کرد و از نتایج آن ابراز رضایت نمود. او گفت: توافق هایی حاصل شده است و در آینده نزدیک شاهد نتایج این توافق ها خواهیم بود. از سوی دیگر نشریه لوموند در شماره ۲۲ ژانویه خود نوشت مذاکرات اخیر پیشرفتی بیارنیابوده است.

قابل ذکر است که علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه ای با نشریه آفریقای جوان چاپ پاریس ابراز داشت که اصولاً از طرف ایران مانعی در راه برقراری مجدد روابط حسنه با فرانسه وجود ندارد... اما به دلیل سردی روابط چند ساله اخیر دو کشور، برقراری روابط دلخواه مستلزم کوشش های دو جانبه است.

اعلام خبر دستگیری نماینده سابق مجلس

کیهان هوایی اول بهمن ماه اعلام کرد: "مولوی نظر محمد دیدگاه نماینده سابق مردم ایرانشهر در مجلس شورای اسلامی که در سیزدهم آذرماه سال جاری به جرم ایجاد اختلاف و نفاق افکنی بین مردم در منطقه سیستان و بلوچستان توسط نیروهای انتظامی بازداشت شده است طی مصاحبه ای تلویزیونی به اشتباهات خود اعتراف نمود. "وی در آغاز سخنان خود فاش ساخت که تنها "پس از چند روز زندان" و بواسطه "برخوردهای خوب مسئولان" زندان پی به اشتباهات خود برده است.

منظور روزنامه دولتی کیهان هوایی از "اختلاف و نفاق افکنی" تظاهرات مردم ایرانشهر در روز ۱۵ آذرماه است که خبر آن در اکثریت شماره ۱۲۹ درج گردید.

اعزام کودکان نابینا به جبهه های جنگ

روزنامه اطلاعات ۲۱ دیماه در گزارشی پیرامون کودکان نابینای "مجمع شهید محبی" فاش ساخت که رژیم برای مقاصد جنگی خود از این کودکان نابینا نیز سوءاستفاده می کند. در این گزارش تصریح شده است که جمهوری اسلامی کودکان نابینای این مجمع را در غالب گروه های تبلیغات و سرود متشکل کرده و به جبهه های جنگ اعزام می کند.

افزایش بهای نفت

بهای نفت در بازارهای جهانی این کالا افزایش یافت. بنا به گزارش های اقتصادی، بهای نفت "برنت" دریای شمال برای تحویل در ماه فوریه به پشکه ای ۱۹ دلار رسیده است. یقیناً در صفحه ۱۲

هر سال نهم میلیون جوان به جمعیت بیکار کشور افزوده می شود

جمعیت شاغلان و نیروی فعال کشور به نسبت کل جمعیت به ۲۲ درصد می رسد. به بیان دیگر در کل جمعیت کشور از هر ۹ نفر ۲ نفر شاغل هستند. "گزارش در ادامه خود اعتراف دارد که بواسطه ضعف "زمینه های اشتغال برای نیروهای فعال و کارآمد جامعه" همه ساله بر تعداد بیکاران افزوده می گردد. در گزارش آمده است: "بنا بر آمارهای استخراج شده تعداد خانواده های کشور که در سال ۱۳۵۵ بیش از ۶ میلیون خانوار بوده در سال ۶۵ به بیش از ۹ میلیون و ۵۰۰ هزار خانوار رسیده است و این جمعیت نیاز به بسیاری از امکانات رفاهی و آموزشی و بهداشتی دارد.

از مشخصات دیگری که اطلاعات و آمار بدست آمده دارد این است که بخش مهمی از نیروی کار جامعه بیکارند و همه ساله قریب به ۵۰۰ هزار نفر به جمعیت جویای کار اضافه می شود."

۸۵ درصد کشاورزان کشور کم زمین هستند

باید خاطر نشان ساخت که نماینده اسلام آباد با طرح سوال خود از وزیر کشاورزی مبنی بر نحوه توزیع ماشین های کشاورزی فاش ساخته بود که این وزارتخانه ماشین های کشاورزی را در اختیار "سازمان اقتصاد اسلامی" گذاشته است. در سوال نماینده مزبور تصریح شده است: "بدون رعایت ضوابط مربوط، ماشین آلات کشاورزی را در اختیار "سازمان اقتصاد اسلامی" که نه فعالیت کشاورزی و نه مسئولیت کشاورزی و نه سختی با کشاورز و کشاورزی دارد و نه شرایط لازم برای گرفتن این گونه ماشین آلات را دارد، می گذارند."

اعتبارات ساواک و دستگاه های نظامی و انتظامی سری است

مربوطه پرداخت و با کراهی شورای عالی دفاع و یا مقامات مجاز از طرف آنها به هزینه قطعی منظور می گردد."

در سخنان نمایندگان مجلس همچنین فاش شد که بودجه وزارت اطلاعات (ساواک) نه تنها تابع مقررات و قوانین ناظر بر اقلام بودجه نیست بلکه: "وزارت اطلاعات بودجه اش بر اساس ۲۰ ماده نیست فقط یک ردیف دارد، می گیرد ماده اش را در داخل خودشان تقسیم می کنند چون وزارت اطلاعات، اصولاً تقسیم بندی بودجه اش به مواد مختلف، شاید از نظر امنیتی به مصلحت نباشد و کل اعتبارات این وزارتخانه به عنوان سری عمل تلقی شود."

رسالت: مهدی هاشمی را اما تعقیب می کنیم

آتشه تر از اینها صحبت می کردند و در یک پوشی رفته بودند روزی که آنها پنهان روی آب بیافتد، مقالات مسلسل از ما خواهد بود، مهدی هاشمی را ما تعقیب می کنیم، یعنی رسالت مان این است. و اگر عده ای، نامه سرگشاده بنویسند و همه فقط نگاه کنند رسالت است که با شصت و چند مقاله جواب می دهد."

کیهان ۲۱ دیماه - روزنامه دولتی کیهان با درج سلسله گزارش هایی در باره "نتایج سرشماری عمومی نفوذ و مسکن ۱۳۶۵"، فاش ساخت که هر ساله نهم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می شود. این رقم تعداد فزاینده کارگران و شاغلین اخراج شده را در بر نمی گیرد. با مقایسه میزان جمعیت کل کشور در فاصله زمانی ۱۳۵۵ - ۱۳۶۵ این نتیجه بدست می آید که هر ساله حدود یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار نفر (در این فاصله زمانی ده ساله) به جمعیت کشور افزوده شده است.

از کل جمعیت کشور بنا به آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران، جمعیت زیر ۶ سال کشور بالغ بر ۱۰ میلیون و ۵۴۰ هزار نفر است. این آمار "جوانی بیش از حد" ترکیب جمعیت کشور را نشان می دهد.

در گزارش کیهان تصریح شده است "در میان قریب به ۲۸ میلیون جمعیت بالای ۶ سال کشور نزدیک به ۱۱ میلیون آن شاغل هستند به عبارت دیگر

اطلاعات ۲۴ دیماه - دکتر زالی وزیر کشاورزی که در پاسخ به سوال نماینده اسلام آباد مبنی بر توزیع ناعادلانه تراکتور و ماشین های کشاورزی سخن می گفت، آماری کلی از میزان تملک زمین کشاورزان کشور بدست داد. وی گفت: "با ارائه آمار مالکیت زمین های کشاورزی، بطور تقریبی، تعداد ۲/۱ درصد از کشاورزان بیش از ۲۵ هکتار زمین دارند، تعداد ۱۲/۲ درصد بیش از مقدار ۱ هکتار و بقیه کمتر از میزان ۱۰ هکتار زمین در مالکیت دارند." بدین ترتیب قریب به ۸۵ درصد کشاورزان کشور کمتر از میزان ۱۰ هکتار زمین در تملک خود دارند.

رسالت ۱۸ دیماه - مجلس شورای اسلامی با بحث پیرامون مواد طرح محاسبات عمومی کشور، ماده ۵۷ این لایحه مبنی بر سری نگامداشتن اعتبارات وزارت اطلاعات (ساواک رژیم)، و نهادهای جنگی و سرکوبگر رژیم را تصویب کرد. بر اساس این ماده: "منظور کردن اعتبارات تحت عنوان (سری) در بودجه کل کشور جز در مورد وزارت اطلاعات، دستگاه های نظامی و انتظامی ممنوع است. اعتباراتی که تحت این عنوان به این دستگاه های نظامی و انتظامی مذکور منظور و به تصویب می رسد با تایید شورای عالی دفاع قابل تصرف می باشد و مصرف آن تابع مقررات مذکور در این قانون و سایر قوانین و مقررات نیست و فقط با صدور حواله از طرف وزیر

رسالت ۲۰ دیماه - آیت الله خزعلی عضو فقهای شورای نگهبان و عضو هیات امنای روزنامه رسالت در مراسم اولین سالگرد انتشار این روزنامه به دست اندرکاران این روزنامه گفت: "از هیچ کس نترسید" و "رسالت خود را انجام دهید" وی اظهار داشت: "آمده ایم ابلاغ کنیم مطالب پیرامون راجع به مدرسه را و روحانیت مبارز را و آنهایی را که دو

اعتصاب کارگران علیه جنگ

روز شنبه ۸ آذرماه کارگران کارخانه بولنیت ۱ اهواز به منظور تغییر برنامه کار کارخانه دست از کار کشیدند. اعتصاب کارگران به دنبال بمبارانهای مکرر کارخانه و کشته شدن تعدادی از کارگران صورت گرفت. کارگران که از جنگ و رژیم جنگ افروز متنفر هستند، پیش از این اقداماتی برای واداشتن مسئولین به اتخاذ تدابیر حفاظتی انجام داده بودند که نتیجه ای به بار نیاورد. در اعتصاب هشتم آذرماه آنان خواستار شدند شیفت روز کار تعطیل شود و به جای آن فقط شب کار کنند. آنان می گفتند با توجه به عدم امکانات پدافندی کارخانه بهتر است شب کار کنند چرا که احتمال بمباران کارخانه به دلیل تاریکی کمتر از روز است. مسئولین کارخانه که دریافته بودند این اعتصاب کارگران قبل از هر چیز اقدامی علیه جنگ محسوب می شود سرخاسته تر با آن مقابله کرده و اعلام نمودند هر چند کارگر هم کشته شوند نباید کارخانه را طی روز تعطیل کرد.

اخراج ۷۰۰ کارگر کارخانه ذوب آهن اصفهان

مسئولین کارخانه ذوب آهن اصفهان پس از زمینه چینی تبلیغی اعلام کردند که در دی ماه سالجاری باردیگر طرح "بازخرید اجباری" کارگران کارخانه را به اجرا خواهند گذاشت. در اظهاریه های مسئولین گفته شده در نوبت اول ۷ هزار تن از کارگران واحد ساختمانی که "مازاد" بر نیاز تشخیص داده شده اند بازخرید خواهند شد. مبلغی که برای بازخرید این کارگران منظور شده فوق العاده ناچیز است.

لازم به یادآوری است که در سال ۶۲ نیز بنا به تصمیم دولت بنا بود چندین هزار تن از کارگران همین بخش و سایر واحدها به بهانه "مازاد" بودن اخراج شوند اما اعتصاب قهرمانانه ۱۵ هزار نفره کارگران کارخانه در روز چهارم آذر (که یک هفته به طول انجامید) رژیم را به عقب نشینی وادار ساخته بود.

راهپیمایی اعتراضی کارگران در ساری

در ماه گذشته کارگران کارخانه آرد "دستاس" در شهرستان ساری، در اعتراض به استرداد این کارخانه به مالک پیشین آن، دست به تظاهرات و راهپیمایی در خیابانهای ساری زدند. این کارخانه در گذشته تحت مالکیت یکی از سرمایه داران مازندران بنام جعفریان قرار داشت و چندی پس از انقلاب مصادره گردید. اخیرا مسئولین با صدور حکم رفع توقیف، در صدد برآمدند کارخانه را به سرمایه دار مزبور بازگردانند. کارگران با اطلاع از این تصمیم به طرق مختلف مخالفت و اعتراض خود را ابراز داشتند که با بی توجهی کامل مسئولین روبرو گردید. راهپیمایی اعتراضی در خیابانهای شهر ساری به دنبال بی نتیجه ماندن اقدامات اعتراضی قبلی کارگران صورت گرفت. راهپیمایان به مسئولین اخبار کردند که به هیچ روه به این سرمایه دار اجازه

ورود به کارخانه را نخواهند داد. این راهپیمایی بازتاب گسترده ای در میان مردم داشت. گستردگی بازتاب این رویداد باعث گردید که برخی از رسانه های دولتی نیز آنرا منعکس سازند. این رسانه ها ضمن تحریف جوانبی از این رویداد، کوشیدند و انمود کنند که این حرکت اعتراضی کارگران علیه رژیم نبوده است!



اخراج ۳۰ تن از کارگران اعتصابی

روز ۸ آبان کارگران و کارکنان فنی شرکت آسفالت سازی و آسفالت کشی "پارکت" اهواز در پی رد مطالباتشان از طرف کارفرما، در محل شرکت دست به اعتصاب زدند.

شرکت "پارکت" متعلق به بخش خصوصی است. کارفرما در قبال تامین مواد اولیه کارخانه از طرف دولت تامین بخشی از نیازهای جبهه را عهده دار شده است و به همین خاطر به پشتگرمی دولت، کارگران را با دستمزدی ناچیز به اضافه کاری اجباری و می دارد. کارگران بارها در اعتراض به این وضع و به منظور افزایش دستمزد خود به اداره کار مراجعه کرده و خواستار رسیدگی شدند، اما اداره کار به حمایت از کارفرما از رسیدگی به مسایل کارگران سرباز زد.

اعتصاب روز ۸ آبان در ابراز مخالفت به همین اعمال صورت گرفت.

اداره کار و مسئولین شرکت برای سرکوب این اعتصاب و مقاومت کارگران، ابتدا با توطئه و تهدید، در صدد برآمدند بخشی از کارکنان را احد سنگ شکن کارخانه را از حمایت از اعتصاب کنندگان بازدارند و پس از آن به فشار علیه اعتصابیون پرداختند. در روز دوم اعتصاب کارفرما کارگران را تهدید به اخراج کرد و روز سوم با پشتیبانی ارگانهای حکومتی حکم اخراج ۳۰ تن از آنان را صادر کرد. اعتصاب زیر چنین فشارهایی پس از چند روز به پایان رسید.

اخراج مدیر عامل مجتمع کشت و صنعت شمال توسط کارگران

چندی پیش کارگران مجتمع کشت و صنعت شمال به منظور تحقق مطالبات خود مدیر عامل این مجتمع را بیرون کردند. حرکت اعتراضی کارگران به دنبال مخالفت مدیر عامل با پرداخت حق اضافه کاری آنان به بهانه کمبود بودجه شرکت و شرایط جنگی صورت گرفت.

کارگران مجتمع، طی ماه های تابستان سال جاری بارها به مدیر عامل مراجعه کرده و خواهان حقوق معوقه خود شده بودند اما او به جای پرداخت مطالبات، تهدید کرده بود که در صورت ادامه اعتراض برای سرکوب آنان از سپاه کمک خواهد گرفت. کارگران نه تنها از تهدید مدیر عامل مرعوب نشدند بلکه او را گرفته، پس از تنبیه، عقب و انت بار نشاندهند و با شعار "مرگ بر صدام داخلی - مرگ بر صدام خارجی" از شرکت بیرون کردند.

چند روز بعد از مدیر عامل با حمایت سپاه و به همراه نماینده استاندار به مجتمع بازگشت. نماینده استاندار طی سخنرانی خود تلاش کرد که کارگران را به گذاشتن مطالبات معوقه شان و موافقت با بازگشت مدیر عامل متقاعد سازد. کارگران ایستادگی کرده و مخالفت نمودند. روز بعد به دستور حراست مجتمع حقوق و مزایای ۶۰ تن از آنان قطع گردید.

باج جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید

کمک های مالی رسیده

از جشن عروسی ب و ک - در آرهوس - دانمارک	۱۱۷۱ کرون
"پيله آقا" از کپنهاک - دانمارک	۹۰۰ کرون
مریم از کپنهاک	۵۵۰ کرون
مهشید از کپنهاک	۳۵۰ کرون
غزل از کپنهاک	۳۵۰ کرون
مواد اران سازمان از بوخوم - آلمان فدرال	۲۴ مارک
خالد از کوبلنز - آلمان فدرال	۱۲۰ تومان
ر - ز آلمان فدرال	۳۰ دلار
م - د از شهر کیل - آلمان فدرال	۷۳ مارک
از شهر ام - سوئد	۴۶۰ تومان
ایوا از ازل - آمریکا	۵۰ دلار
عباس از لس آنجلس - آمریکا	۲۰ دلار

می‌کنند. پاسخ مردم عموماً نه بوده است. رانندگان کامیون و اتوبوس در این شهر با اعتراضات مکرر و قاطع خود نشان داده‌اند که به فشارهای حکومت برای رفتن به جبهه‌ها تسلیم نمی‌شوند.

در روستاهای بوکان

روستا در کردستان مثل بسیاری دیگر از مناطق ایران یعنی مجموعه‌ی به هم ریخته‌ای از ۲۰، ۴۰، ۷۰ بیخوله با تعدادی قطعه زمین کوچک، کلیه‌های روستایی در منطقه سردسیری چون کردستان منظره خاص خود را دارند، اکثراً تا کمر و یا بیشتر در خاک فرو رفته‌اند، برای این که گرم کردنشان خرج نبوده، دری که برای عبور از آن باید تا کمر خم شد و احياناً پنجره‌ای کوچک، خیلی از موارد گلیمی هم در کنار نیست. کاسه و دیک و دیگچه و رنگ و رنگ بچه‌هایی را که به علت سوز تغذیه پاهای کج و باریک و شکمهایی برآمده دارند و نیز انبوهی از شیش را که فوراً وجود ته‌اجمی‌شان را حس می‌کنند، بر این مجموعه بیفزایند تا احساس حضور در چنین کلیه‌هایی تکمیل شود. باقی می‌ماند رنج تبدیل وجبی خاک به گندم، تبدیل آن به نان در دست‌های دردمند زنان و دهانهای گرسنه. همین ویس. روستا این است. بوکان از این "پادای" ها ۱۵۰ پارچه دارد، در این ۱۵۰ روستا ۵۰ پایگاه نظامی دایر کرده‌اند.

در بالای بلندپها پاسداران مستقرند، همواره در هراسند و هر جنبه‌ای را پیش‌سرکه می‌پندارند. در جمهوری اسلامی برخی از روستاهای بوکان صاحب جاده شده‌اند حکومتی‌ها در این مورد تبلیغات زیادی هم به راه انداخته‌اند، انگیزه‌شان برای ساختن این جاده‌ها، دلسوزی به حال روستائیان نبوده است. نگران امنیت خودشان هستند. جاده‌ها، جاده‌های نظامی‌اند. آنها را ساخته‌اند تا برای سرکوب کردن تحرک بیشتری داشته باشند.

آنچه که شاخص حضور جمهوری اسلامی است، ویرانی است. با گلخانه و توپ و خمپاره و بولدوزر، روستاهای قره‌فاج، گورگه، حسین‌آباد و باغبان در اطراف بوکان کاملاً با خاک یکسان شده‌اند. بقیه روستاها نیمه ویرانند. روستاهای بین بوکان و میاندوآب - خاصه روستاهایی که در تیررس پاسداران مستقر در پایگاه پلیس راه میاندوآب (در سالهای ۵۹ و ۶۰) بوده‌اند - بیشترین ستم را از جمهوری اسلامی کشیده‌اند. در روستاهای بوکان کاربست تاکتیک

کردستان: سرزمین رنج و رزم

بخش آخر

ایران، و کار مبارزاتی در میان آنها برای بسیج همه خلقها در راه کسب تعیین سرنوشت نمی‌کاهد. بیان این نظر به منزله تاکید ویژه‌ای بر روی اهمیت مبارزه خلق کرد به عنوان یکی از اهرمهای بسیار مهم جنبش انقلابی در ایران است. رنجی که خلق کرد می‌کشد، بارنج همه خلقهای ایران مشترک است و مبارزه‌ای که خلق کرد پیش می‌برد، در خدمت مبارزه مشترک همه زحمتکشان و خلقهای ایران است. از این نظر وقتی که از رنج و رزم خلق کرد سخن می‌گوئیم، در واقع رنج و رزم همه خلقهای ایران را بازتاب می‌دهیم.

در شماره گذشته نظری عمومی بر کردستان افکندیم. در این شماره بطور ویژه به یک شهر کردستان چشم می‌دوریم: بوکان.

کردستان شاخص مساله‌ای در ایران است که بدون حل آن هیچ جنبش انقلابی پیروزمندی در این خطه نمی‌توان سخن گفت؛ مساله خلقها و حق آنها برای تعیین سرنوشت خود. ایران یک کشور کثیر الملله است. در بین خلقهایی که در محدوده جغرافیایی ایران زندگی می‌کنند خلق کرد به موقعیت ویژه‌ای دست یافته است. جنبش خلق کرد پیشرفته‌ترین بخش جنبش خلقهای ایران برای کسب حق تعیین سرنوشت است. کردی که تفنگ در دست گرفته است، علاوه بر مبارزه برای کسب حق خود مختاری در کردستان، در خدمت آرمان عمومی‌تری قرار گرفته است که هدف آن رمایی همه خلقهای ایران از قید ستم ملی است. از این نظر "مساله کردستان" همچون عصاره "مساله ملی" در ایران است. تاکید روی این نکته از اهمیت مبارزه دیگر خلقهای

بوکان، مظهر کردستان اشغال شده

می‌پدیرد؟ بهر حال جایی پیدا می‌شود. کلیه تازه‌ای در حاشیه شهر از زمین می‌روید و در کنار سفره گشاده فقر در بوکان دست و دل باز می‌نشینند. در کنار این سفره برای همه می‌توان جایی پیدا کرد.

اکثر کسانی که بعنوان آواره وارد بوکان می‌شوند، داغدارند. در بیماران ربط و سردشت یا مریوان عزیز را از دست داده‌اند و از روی ناچاری خانه ویران شده خود را برجا نهاده و به این شهر فقر زده رو آورده‌اند.

فقر، گرانی، کمبود و بی‌کاری در بوکان بیداد می‌کند. بوکان زمانی انبار غله "آذربایجان غربی" محسوب می‌شد. آنچه که از دست سلف خرمای بازار تبریز و ارومیه در می‌رفت، شکمی را سیر می‌کرد، اما اکنون نان بخور و نمیر هم پیدا نمی‌شود. اگر آبی در سباط باشد، برای خریدن یک کیلو نان دست کم چهار ساعت باید در صف ایستاد. قضیه نان که چنین باشد، دیگر داستان "تجملاتی" از قبیل گوشت و برنج نگفتنی است. به بوکان به ندرت نفت و گاز وئیل می‌دهند. برق این شهر هم که از قدیم الايام فقط اسمش برق بوده است. می‌ماند شهر آواره‌ها با سرمایی که سنگ را می‌ترکاند.

سرباز گهری

جاده میاندوآب و سفر که به

بوکان آخرین شهری بود که در کردستان آزادی خود را از دست داد و به اشغال ارتش و سپاه جمهوری اسلامی درآمد. بوکان در منطقه مسطحی واقع است و همانقدر که اشغال آن ساده است حفظ آن با مشکلات جدی همراه است، به ویژه که این شهر برخلاف سنندج و مریوان و سفر و شهرهای دیگر دارای پادگانی برای استقرار دائمی نظامیان نبود. از همین نظر برای اینکه بتوانند بوکان را حفظ کنند، سرتاسر آن را بصورت یک پادگان در آوردند و تا توانستند در آن ارتشی و پاسدار مستقر کرده و پایگاه بنا کردند. اکنون بوکان در اشغال بیش از ۴۰۰۰ نیروی نظامی است. این تعداد نظامی از جمعیت سال ۱۳۵۷ بوکان بیشتر است.

شهر آوارگان

از همه جا به سوی بوکان روی آورده‌اند، از بانه، مریوان، سردشت، ربط و از روستاهایی که به دست اشغالگران ویران شده‌اند. هرگاه که حلات هوایی عراق به شهرهایی که به نوار مرزی نزدیکترند، بالا می‌گیرد بر تعداد آوارگانی که وارد بوکان می‌شوند، افزوده می‌گردد. بوکان هست و یک خیابان و با بیخوله‌هایی در این سو آن سوی آن و میدان غم‌زده‌ای که دیگر گنجایش دستفروش تازه‌ای را ندارد. با این توصیف بوکان چگونه می‌مانان تازه را

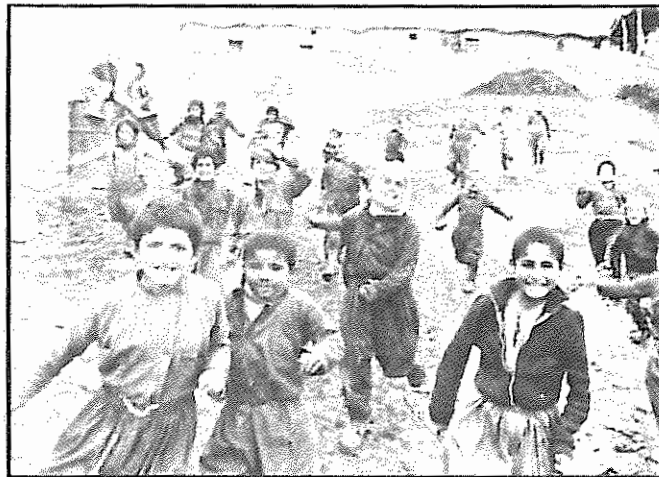
جاشا نقش مهمی در سرکوب اهالی دارند. برخی از آنها به ازای مزدوریان بست و مقامهای مهمی یافته اند، کسانی چون عثمان سواره فرمانده گروه ضربت سیاه بوکان، سید شکره وپرش ابراهیم قریشی، اسماعیل ولی ترک، ابوبکر ننه قره چایی (مرتبط با ساواک ج. ا.) و ملامحمد بورکویی (مرتبط با آگاهی شهربانی و اطلاعات سپاه). امام جمعه شهر ملارحمان خلیفه زاده هم که دیگر جای خود را دارد. او نیز از فعالین جریان جاش - آخوندی "شورای روحانیت" است که آخوندکی به نام ملاحیدری از سران آن است. این جاشا از سایه خود هم می ترسند. پس از اعدام انقلابی احمد کریمی مزدور همه آنها حساب خود را کرده اند.

پاسداران و جاشا تنها از شیوه سرکوب و پیگرد آشکار استفاده نمی کنند. آنها اخیرا برای شناسایی فعالین انقلابی با لباس کردی معمولی وارد اجتماعات مردم در قهوه خانه ها و غذاخوری ها و دیگر مراکز می شوند و به شوند و شناسایی می پردازند. با کاربست این شیوه عده زیادی را که بیشتر از مردم عادی بوده اند، دستگیر کرده اند.

پاسداران در بوکان ۲۰ پایگاه دایر کرده اند. گشت هایشان هم مداوم در رفت و آمدند. مزدورانشان هم این سو و آن سو به شود نشسته اند. اما شهر همچنان از آن آنان نیست. بوکان اشغال شده می جنگد. بر دیوارها شعار مرگ بر خمینی نقش می بندد. مردم هر شب به رادیوهای مردمی گوش دارند و اعلامیه ها را با اشتیاق می خوانند. خبرنامه مواداران سازمان در این شهر از دو سال پیش انتشار بی وقفه ای دارد.

در بوکان نگاههای خشم گینانه مردم عرصه را بر اشغالگران تنگ کرده است. صفهای تهیه مواد غذایی همواره به نوعی تجمع اعتراضی بدل می شود. در روستاها نقش زنان در مقاومت علیه سرکوبگران بسیار چشمگیر است. در روستای "اسکی بغداد" زنان علیه فرمانده رذل سپاه تظاهرات اعتراضی برپا کردند و با مزدوران درگیر شدند. پاسداران به روی آنان آتش کشودند. یک شیر زن کرد کشته شد. از این کشته ها بسیار است. مبارزه ادامه دارد. کرد از زندان و سرکوب و تفنگ نمی هراسد. کردستان سر بلند ایستاده است. بوکان نیز.

خود را برای اعمال هر ستمی بر روستائیان باز می بینند. فقر و بیماری کار ناتمام گذاشته پاسداران را به پایان می رساند. روستایی را که پاسداران ویران نکرده باشند، فقر مفرکه می سازد. این دو همدستند. آن یک پیام آور، رهگشا و



می دهند. به پرواز در آمده اند. به سوی افق روشنی بر می کشند. بچه های روستایی کرد.

تحقیق برنده این یک است. بوکان مریضخانه ای دارد با ۵۰ تخت. مجروح جنگی آنقدر فراوان است که جایی برای بیماران معمولی نیست. در روستاهای بوکان، بیماریت اگر از سرما خوردگی فراتر رود، از پاخواهی افتاد، گیریم که ماشینی پیدا کردی و خود را به شهر رساندی چه حاصل؟ دست شفا بخشی در کار نیست. اگر زمینی در کار باشد، از پس سیر کردن شکم های گرسنه بر نمی آید. مردان، ده راترک می کنند. در بوکان که کاری پیدا نمی شود. کوره پزخانه های میاندوآب هم ظرفیت معینی دارند. می ماند تبریز و همدان و تهران.

تداوم مبارزه

دستگیری بی وقفه ادامه دارد. در تیر و مرداد موج دستگیریها بالا گرفت، پس از آن روال همیشگی را یافت و دوباره موج جدید می آمد. این بار تعداد زیادی از کسبه را دستگیر کردند. بوکان در کنار همه کمبودهایش با کمبود زندان هم مواجه است! از خبر ساختمان آموزشگاه بهیاری هم که نیمه تمام بود، نگذشتند و آنرا به زندان تبدیل کردند.

نمی شود. اگر شورایی انتصابی و مورد تایید نباشد کوبین ارزاق عمومی را در اختیار آن نمی گذارند. پاسداران هنگامی که از امنیت جاده ای به لحاظ وجود مین و کمین پیشرگان مطمئن نباشند، برای عبور از آن، روستائیان، تراکتور و یا احشام

آنها را سیر قرار می دهند. هنگامی که ستون نظامیشان را می خواهند از جاده ای عبور دهند، روستائیان را وامی دارند با تراکتور و یا همراه با یک گله در جلوی ستون حرکت کنند. این گونه شیوه های رذیلانه را فرماندهان نظامی رژیم از تجربیات ضد چریکی ارتش های امپریالیستی خاصه از تجربیات آمریکایی ها در ویتنام و آمریکای لاتین فرا گرفته اند.

زور برای اعمال ستم است و ستم طبقاتی در کانون ستم های اجتماعی است. تفنگ، دهقان را از روی زمین می راند تا خان فئودال سرسد. در روستاهای بوکان - آنجایی که قلمرو زمینداران بوده است - این قاعده جلوه روشنی دارد. روستاهای قادرآباد و باغچه را مثال می زنیم. ابراهیم آقا از بزرگترین خانهای منطقه بر زمینهای این دو روستا چنگ انداخته بود. انقلاب در رسید و آگاهی و تشکل و تفنگ دست او را از این زمینها کوتاه کرد. او اکنون مدتی است که اوضاع را برفوق مراد خود می بیند. پاسداران زمینها را برای او پس گرفته اند. سران عشایر متکون نیز در ستم بر روستائیان بوکان از همدستان اصلی رژیمند. آنها در ازای مزدوریشان برای جمهوری اسلامی دست

"زمین سوخته" به وضوح عمق سببیت رژیم را نشان می دهد. مراتع و درختزارهای اطراف شهر و روستاها را از بین برده اند تا ترده پیشرگان از نظر دور نماند و آنها پناهگاهی نداشته باشند.

در روستاهای بوکان، همچون دیگر روستاهای کردستان، سیاست تسلیح اجباری به شدت پی گرفته می شود. در روستای حمامیان، واقع در ۵ کیلومتری شهر، بعد از این که با مخالفت مردم برای تسلیح دولتی مواجه می شوند، به زور در خانه روستائیان اسلحه می اندازند تا آنها را در برابر عمل انجام شده قرار دهند. حتی از پیرمردانی که به زور قادر به راه رفتن هستند، خواسته اند که تفنگ بردوش اندازند. در موارد متعددی با پیوستن مردم به نیروهای پشمرک سلاحهای حکومتی علیه خود حکومت به کار بسته شده است.

خانواده های پشمرکه ها مورد آزار و اذیت دائمی حکومتند. در موارد بسیاری این خانواده ها را از هستی ساقط کرده و خانه شان را به صورت پایگاه نظامی برای استقرار دائمی پاسداران در روستاها در آورده اند. علاوه بر وجود موارد متعددی از تصرف خانه خانواده های پشمرکه ها، در هر روستا خانه ای را نیز که با قرار گرفتن در بلندی بر همه روستا مسلط باشند، تصاحب می کنند.

فشار و زورکوبی بر روستائیان حد و مرزی نمی شناسد. آنان را وامی دارند برایشان غذا بپزند و گوشتند هایشان را نگهداری کنند. اگر در ده سکی به رویشان پارس کند مفت تیر کشیده سک را می کشند. باصطلاح "شورای روستایی" تشکیل می دهند و از این طریق نیز می کوشند بر اهالی سلطه یابند. وظیفه این "شوراها" را آن قرار دادند که پاسداران را از ورود پشمرکه به ده باخبر سازند و آمار مشمولین را به اطلاع مسئولین سر بازگیری برسانند. در روستا "حاضر غایب" هم می کنند. "شورا" را موظف کرده اند که حتی اگر برای مدت کوتاهی از یکی از اهالی خبری نبود، فوراً به پایگاه خبر دهند. اهالی حاضر نیستند در چنین شورا هایی منتصب شوند. اگر ریش سفیدی را به زور وادار به این کار کنند، بالاخره بهانه ای پیدا می کند تا از این "شورای اسلامی" کناره بگیرد. شورا های واقعی به رسمیت شناخته

پیروز باد مبارزه خلق کرد در راه کسب خود مختاری

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

گوشه‌هایی از فعالیتهای تبلیغی فدائیان خلق در داخل کشور



نیروی بی‌گوش و توان رزم از قدرت بی‌کران توده‌های رنج و کار سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌سای مهار نتواند کرد. دشمن بر سازمان مانتاخت. او با تمام قدرت اهریمنی‌اش کوشید تا استوارترین سنگر رزم کارگران و زحمتکشان میهنمان را خاموش سازد؛ عملیات وسیع تعقیب و مراقبت با استفاده از تکنولوژی مدرن و پیشرفته‌ترین روش‌های پیگرد و ردیابی سازمان داده شد؛ ددمشانه‌ترین شکنجه‌ها بر روی فدائیان اسیر اعمال شد؛ انواع تاکتیک‌های پلیسی برای تضعیف سیاسی-روانی فعالین تشکیلات بکاربرده شد. هر آن‌کسی که از دیرباز بعنوان هوادار سازمان شناخته شده بود برای یافتن سر نخ شبکه‌های تشکیلاتی بازداشت گردید. دشمن در راه این اقدامات ضد مردمی‌اش اگر چه توانست ضرباتی بر واحدهایی از سازمان ما وارد آورد اما در جلوگیری از رزم فدائیان خلق، در توقف فعالیت سازمان ما به سختی شکست خورد.

واحدهای سازمان در نقاط مختلف کشور به مثابه مهمترین وظیفه به حفاظت، تأمین و تحکیم امنیت و ادامه‌کاری تشکیلات پرداختند. آنان کوشیدند تدابیر مقتضی تشکیلاتی را با انجام وظایف روزمره تلفیق نمایند؛ فعالیت‌های تبلیغی نیز با پذیرش محدودیت‌هایی، در کیفیتی نوین تداوم یافت.

در این شماره گوشه‌هایی از فعالیت‌های تبلیغی و افشاگرانه واحدهایی از فدائیان خلق که گزارش آن برایمان ارسال شده است را بازتاب می‌دهیم:

* در بخشی از نامه‌ای که برای ما ارسال شده، آمده است: "چند هفته پیش اعلامیه فدائیان خلق (اکثریت) در بین کارگران کارخانه زمین پخش شد و همه مانده بودند که کی و چطور اینکار را کرده، یک بار دیگر هم وقتی کارگران از کارخانه بیرون می‌آمدند یک مرتبه اعلامیه‌های زیادی به‌همان رفت. کارگران به سوی اعلامیه‌ها هجوم بردند و حتی یک اعلامیه هم نماند. با اینکه باز همین دو هفته پیش با موتور چلو در کارخانه اعلامیه پخش کردند..."

* در رابطه با جاری شدن سیل در استان فارس و در هفت استان دیگر کشور خسارات عظیم ناشی از آن آذر ماه اعلامیه‌ای از سوی واحدهای از فدائیان خلق (اکثریت) در شیراز منتشر و بطور وسیع توزیع گردید این اعلامیه بازتاب گسترده‌ای در میان مردم داشت و مسئولین رژیم را به موضع‌گیری شتابزده در قبال آن واداشت. بخشی از سخنان سفیانه حائری شیرازی امام جمعه شیراز را که در پاسخ به متن این اعلامیه ایراد شده است را در شماره آینده درج می‌کنیم کلیشه‌ای از این اعلامیه در روبرو مشاهده می‌کنید:

* دانشجویی که به تازگی از سفر کوتاهش به ایران بازگشته است در نامه‌ای به ما نوشته است: "در شهر تبریز شعارهای فدائیان بر دیوار دیده می‌شد. در تهران چهار مورد اعلامیه علیه جنگ سازمان را دیدم که یک مورد آن ساعت ۸ صبح و در مقابل اداره گذرنامه بود."

* کلیشه زیر باز تکثیر اعلامیه کمیته مرکزی سازمان در مورد جنگ توسط یک واحد از فدائیان خلق در تهران است که وسیعاً پخش گردید:

خمینی می‌خواهد راه رسیدن به امپال پلید خود را با سیل خون و اشک شما مردم ایران بگشاید. سال گذشته هزاران تن از فرزندان شما در با تلافی و خنجرهای این سواران سوزی مرز به خاک و خون کشیده شدند تا گردانندگان رژیم ولایت فقیه بر چنان راه‌های انبوه کشتگان نعره‌های جنگ تا به روزی سردهند. از آن پس نیز غوغای کشف مجدد "استراتژی" قتل عام "موج انسانی" در برابر انواع سلاح‌های سنگین دشمن را به راه انداخته‌اند. با رد دیگر سم‌پاشی‌های دروغین "شیراز خورین" و "پروزی‌های" بسیاری شکار قربانیان تا زخم‌های جنگ طلبی خمینی، با نیت بی‌بقای به‌مداد آمده است. اما از آنجا که مقاومت و مبارزه شما گار سوداگران بسج برای جبهه‌های مرگ را دستوار ساخته است، اینک بر بیکار ربه سران رژیم روزبه‌روز کم‌انتر شده و فشار را بر اعاب، دستگیری جوانان و انواع طوهای اعوام اجباری به مسلح یا نداشتن بی‌پایان همیشه برای افتاده است. این تلافی‌جویی‌های ناز "استراتژی" کشتن بزرگ "موج انسانی" و انداز می‌بیند. خمینی خیال قتل عام میلیون‌ها نفر دیگر از مردم ایران را و تا بودی همه هفتاد و نه کشور ما را دارد.

به یاری هموطنان سبیل زده پشتا پیسم

هموطنان ارجمند: باران دهن سبیل در استان فارس و هفت استان دیگر کشورمان خون به بار آورده و صدها میلیارد ریال دارت، صدها هزار نفر را بی‌خانمان و تعداد زیادی از صومنان ما را به کام مرگ کشیده است. ریم، دشمن و جنگا فروز خمینی که سه اسکانات کشور را به جنگ اعدام با فعالیت به سن کوشک بلوه ناند این تاجه عظیم و با نظره رفتن از داند کنگ جی به جنگ زدگان و معضات صومنان بی‌پناه ما را در کوه و بهایان و در سیر جانی به امان غدارها کرده است. نفت، وزیر رژیم اعلام کرد که دولت نفرت‌گش به سبیل زدگان و تأمین نیازهای فوری آنها را ندارد. حائری شیرازی نماینده مزدور خمینی بر استان فارس در نماز جمعه ۱۵/۱/۸۱ شمن انداختن تفسیر به گردن سبیل سمری که بدون مجوز اقدام به ساختن سر پناه کرده‌اند غار ارجانی و مالی سبیل اغیر را ناشی از ندانن-خسرو و زکات به ملایان حاکم دانست.

هموطنان: هزاران انسان بی‌پناه و محروم اکنون جمع انتظار باری هموطنان خوبند. نگذاریم بهیزار این رژیم احمق نسبت به سرنوشت هزاران انسان بی‌فنا و بی‌برخور کند. با تجمع در استان‌ها و فر-ماندازها و دیگر مراکز دولتی و برگزاری تظاهرات اعتراضی به هر طریق ممکن رژیم را برای ن-سیر نیازها و نیازهای سبیل زدگان و نیازهای فرا ریم، کامیون‌ها و حامل ما بختان موسی که راهی جبهه‌های جنگ هستند بهیزار این تاجه عظیم و با نظره رفتن از داند کنگ جی به جنگ زدگان و معضات صومنان بی‌پناه ما را در کوه و بهایان و در سیر جانی به امان غدارها کرده است. نفت، وزیر رژیم اعلام کرد که دولت نفرت‌گش به سبیل زدگان و تأمین نیازهای فوری آنها را ندارد. حائری شیرازی نماینده مزدور خمینی بر استان فارس در نماز جمعه ۱۵/۱/۸۱ شمن انداختن تفسیر به گردن سبیل سمری که بدون مجوز اقدام به ساختن سر پناه کرده‌اند غار ارجانی و مالی سبیل اغیر را ناشی از ندانن-خسرو و زکات به ملایان حاکم دانست.

فدائیان سبیل (اکثریت)
آذر ماه ۸۱

* در گزارشی از یک کارخانه در تهران، در همراه نوشته شده است: "... یکی از کارگران که از... سوار روی می‌شود همراه خودش مقداری اعلامیه به کارخانه تولید ماشین آلات اشتاد ایران آورده و با کارگران مشغول خواندن آنهاست وی می‌گفت که اعلامیه‌ها را هنگام سوار شدن در پیاده رو خیابان پیدا کرده است. اعلامیه‌ها در رابطه با قلع جنگ و اخراج کارگران بود و امضای فدائیان (اکثریت) را داشت."

* در گزارشی دیگری از شهرکرد می‌خوانیم:

"با گسترش پخش اعلامیه و شعارنویسی روی دیوارهای شهر مامورین وحشت زده شده‌اند و دست به هرکاری می‌زنند از جمله درصدد دستگیری یک فرد ۵۰ ساله بیسواد به جرم شعارنویسی برمی‌آیند که با اعتراض همسایگان مجبور می‌شوند او را آزاد کنند. فرد مزبور شب هنگام بطور اتفاقی از آن محل راهی خانه‌اش بود."

* در گزارشی از یک کارخانه در تهران، در همراه نوشته شده است: "... یکی از کارگران که از... سوار روی می‌شود همراه خودش مقداری اعلامیه به کارخانه تولید ماشین آلات اشتاد ایران آورده و با کارگران مشغول خواندن آنهاست وی می‌گفت که اعلامیه‌ها را هنگام سوار شدن در پیاده رو خیابان پیدا کرده است. اعلامیه‌ها در رابطه با قلع جنگ و اخراج کارگران بود و امضای فدائیان (اکثریت) را داشت."

* در گزارشی از یک کارخانه در تهران، در همراه نوشته شده است: "... یکی از کارگران که از... سوار روی می‌شود همراه خودش مقداری اعلامیه به کارخانه تولید ماشین آلات اشتاد ایران آورده و با کارگران مشغول خواندن آنهاست وی می‌گفت که اعلامیه‌ها را هنگام سوار شدن در پیاده رو خیابان پیدا کرده است. اعلامیه‌ها در رابطه با قلع جنگ و اخراج کارگران بود و امضای فدائیان (اکثریت) را داشت."

* در گزارش یک واحد از فدائیان خلق آمده است:
"... بهنگام نمایش گروه آکروبات چینی در روز ۲۵ مهر در سالن ورزشی ۷ تیر رفتار اقدام به پخش اعلامیه در بین جمعیت کردند. جمعیت که علیرغم خشم مسئولین با آهنگ ریتمیک گروه آکروبات دست می زدند از دیدن اعلامیه ها به وجد آمده آنرا دست به دست به همیدگر رد می کردند."

* سیاست های ضد مردمی رژیم و اخراج کارگران " عنوان اعلامیه ای است که توسط یک واحد از فدائیان خلق در تهران انتشار یافت. متن آن چنین است:

دانشجویان و دانش آموزان مبارزان برای مقابله با سرکوبش ثو می که جلادها را برای تمامی جوانان ایران تدارک دیده است دست به دست هم دهنده برای صلح علیه جنگ مبارزه کنید. برادر و دیوارها شمار فدائیان بنویسید. اعلامیه ها و تراکتهای صلح طلبانه و افشاگر را پخش کنید. مراسم رنمایشات جنگ طلبانه رژیم در محیط های آموزشی را تحریم کنید. مبارزه صلح طلبانه خود را با مبارزات مبارزان و مردم زحمتکش ایران پیوند دهید.
علیه اختناق و سرکوب آزادیهای دمکراتیک در محیط های آموزشی مبارزه کنید. انجمن های اسلامی ارگانیای حاسومی، خیرچینی و پیرونده سازی علیه دانش آموزان و دانشجویان و پیاگاه رژیم ولایت فقیه برای سرکوب مبارزات شماست. نقش کنونی این انجمن ها همانی است که ما و آگهی ها و گاردی ها در رژیم شاه برعهده داشتند. شعار انحلال انجمن های اسلامی را در مدارس و دانشگاه ها و سهوا تبلیغ کنید. برای منع هرگونه مداخله نیروهای نظامی، انتظامی و اطلاعاتی در مدارس و دانشگاه ها، لایو روابط ارتباطی را ممنوع کنید و سهوا به ناهای ارتجاع و دروازه کسب حق شکل منفی و آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی در محیط های آموزشی مبارزه کنید.
اخبار مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه رژیم و مطالبات آنان را به محیط های آموزشی ببرید. از مبارزات آنان پشتیبانی کنید. با تبلیغ گسترده سیاسی فضای خفای را که رژیم میخواهد ایجاد کند درهم شکنید.
علیه اخذی های رژیم تحت هر عنوانی از شهریه تا کمک مالی برای جبهه ها ایستادگی کنید. علیه سیاست های ارتجاعی رژیم در مسایل آموزشی و برای حقوق منفی خود متحد مبارزه کنید. ایستادن مبارزات را با انتخاب نماینده و ایجاد تشکل حول خواسته های معین موثرتر کنید. تلاش کنید که تشکلهای محدود و موقت را به تشکل های پایدار تبدیل کنید. هسته های منفی را با مبارکت نمایندگان نیروهای ترقیخواه برای هدایت مبارزه دانشجویان تشکل دهید.
از مبارزات معلمین و استادان دلسوز و مترقی خود حمایت کنید و آنان را به پشتیبانی از مبارزات خویش فراخوانید.
در راه گسترش فعالیت های فرهنگی، ورزشی و دیگر تفریحات سازنده برای سالم کردن محیط های آموزشی بکوشید. احاد، مدرسه ها، مراکز و این فعالیت ها را تعلیمات مبارزانه، انضام و ک...

سیاست های ضد مردمی رژیم و اخراج کارگران

کارگران و زحمتکشان مبارزان!

بحران ناشی از تشدید جنگ ایران و عراق، غارت کلان سرمایه داران و کلان تاجران و حامیان حکومتی آنها هر روز بر وخامت اوضاع می افزاید و بحران اقتصادی و ورشکستگی صنعتی و تولیدی را به دنبال می آورد. تعطیلی تعدادی از واحدهای صنعتی بواسطه نداشتن مواد اولیه موج اخراج کارگران را شدت بیشتری بخشیده بطوری که بسیاری از کارگران در کارخانجات ایران خودرو، زامباد، پتوبافی شمس اراک، شرکت وزنه، پارس متال، و ده ها کارخانه دیگر اخراج شده و یا در معرض اخراج هستند. خاموشی رئیس اتاق بازرگانی رژیم در همین زمینه به خود افشاکری پرداخت و اظهار نمود که در سال جاری با تعطیلی شرکتها سه میلیون کارگر بیکار خواهند شد ...

در شرایط کنونی کارگران پیشرو و آگاه هسته های مخفی کارگری برای مبارزه با اخراج باید اساس کار را بسیج و سازماندهی کارگران شاغل و اخراجی از تک تک واحدها قرار دهند. وظایف سازمانکرانه را در رابطه با محورهای زیر می توان خلاصه کرد.

- ۱ - متشکل کردن کارگران و توسل به همه اشکال مبارزه پویژه تحصن و اعتصاب برای جلوگیری از اخراج
 - ۲ - طرح شعارهای مشخص (حقوق کارگر پرداخت باید گردد، اخراج خودسرانه پایان باید یابد) در رابطه با اخراج
 - ۳ - تشکیل صندوق حمایت از کارگران اخراجی در همه واحدها
 - ۴ - تنظیم اعتراضات کتبی و دسته جمعی و ارسال آن و افشای اخراج و رابطه آن با جنگ
 - ۵ - مسامحتی و اعلام مسبتگی با مبارزه کارگران دیگر واحدها در رابطه با اخراج
 - ۶ - تاکید بر پرداخت حق بیمه بیکاری از طرف دولت و کارفرمایان در مدت بیکاری تا موقع برگشت به سرکار
 - ۷ - افشای قانون کار سرحدی زاده در مورد فسخ قرارداد کار
 - ۸ - تاکید بر نقش تشکلهای کارگری بعنوان اصلی ترین مرجع در رابطه با مسایل کارگری
 - ۹ - استفاده امکانات مخفی و علنی برای سازماندهی تشکلهای مستقل منفی و ترویج و تبلیغ مشارکت کارگران در تدوین قانون کار انقلابی و مترقی.
- پیروزی مبارزه متحد کارگران علیه اخراج های خودسرانه رژیم فدائیان خلق اکثریت

در یک گزارش نوشته شده است:
"در "دوآب" در منطقه سواد کوه مازندران اعلامیه سازمان در مورد جنگ و دفاع از صلح بر دیوار نصب شده بود. از طرف سپاه اقدامات بی نتیجه ای برای شناسایی صورت گرفت اعلامیه اثر مثبت داشته و موجب خوشحالی اهالی گردیده است."

* در گزارش یک واحد از جوانان قهرمان پیشگام نوشته شده است:

"اعلامیه سازمان جوانان پیشگام به مناسبت ۱۶ آذر، روز دانشجو بین روزهای ۱۰ الی ۱۷ آذر در مناطق مختلف پخش گردید. روز جمعه که در مسیر توجال گذاشته شد بسیار مورد استقبال قرار گرفت. بر اساس برنامه ریزی قبلی چندین دانشگاه و مدرسه عالی زیر پوش قرار گرفتند. در دانشگاه آزاد، قسمت آموزشی دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، نیمکت های محوطه دانشگاه تهران، دانشکده مامایی دانشگاه ملی، ساختمان فیزیک دانشگاه ملی، تعدادی از کلاسها و کارگاه دانشگاه ملی، مرکز توانبخشی میرداماد اعلامیه ۱۶ آذر پخش شد و برای بسیاری از اساتید و دانشجویان نیز اعلامیه پست شد. همچنین این اعلامیه در مناطق زحمتکش نشین دوراهی قهان، شهرک ولیعصر و خیابان سیروس نیز پخش شد."

* پیام سازمان جوانان پیشگام ایران به دانشجویان و دانش آموزان توسط پیشگام در سطح وسیعی در مدارس و دانشگاهها توزیع گردید در بالا کلیشه بازتکثیر این اعلامیه توسط یک واحد از جوانان پیشگام را ملاحظه می کنید
* در گزارشی که از کردستان ارسال شده آمده است:
"خبرنامه ای که در بوکان و شهرهای دیگر منتشر می کنیم دیگر پس از دو سال انتشار مداوم برای همه آشناست. خبرنامه فدائیان خلق (اکثریت) حاوی اخبار مبارزات توده ها و نظرات سازمان می باشد."

* در بخشی از یک گزارش که در نیمه دوم مهرماه تنظیم شده است می خوانیم: "مدتی پیش بر روی دیوار خیابان روستای چالاکو از روستاهای حوزه بخش سیریک شعاری با مضمون "مرگ بر خمینی، زنده باد صلح" با امضای سازمان نوشته شده بود. مامورین رژیم برای شناسایی نویسندگان شعار تلاش فراوان کردند. بطور کلی دانش آموزان مدرسه راهنمایی راه جایی که شعار مذکور نوشته شده بود آوردند و آنها را مجبور کردند که عین آن شعار را بنویسند. تا از این طریق بتوانند نویسنده را پیدا کنند اما نتیجه نگرفتند. پس از شکست این شیوه سی کردند با کمک زدن چند دانش آموز و زهر چشم گرفتن بلکه بتوانند نویسنده را پیدا کنند که با این شیوه هم موفق نشدند و مجبور شدند دانش آموزان را رها کنند."

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوینی رژیم جمهوری اسلامی!

حزب همانگونه که هست

اثر آوار و کونیال دبیرکل حزب کمونیست پرتغال

رهبری و نه هنگام هر گونه تصمیم گیری، رای گیری مخفی به کار گرفته نمی شود.

هر کس که به نفع فلان فرد و با فلان نقطه نظر رای می دهد، مسئولیت رای خود را در برابر دیگران به عهده می گیرد.

این شکل رای گیری، به منظور تأمین آزادی و آگاهانه بودن واقعی رای، دلالت می کند بر آن که حق انتخاب، و به تبع آن حق مخالفت، کاملاً به رسمیت شناخته شود (چهره و فشار در هر شکلی که می خواهد باشد وجود نداشته باشد) و نیز دلالت می کند بر آن که از عضو ساده حزب در قبال هر شکل تبعیض، برخورد بدخواهانه و تعقیب به خاطر بیان صریح نظر خود دفاع به عمل آید.

البته موقعیت های نامطلوبی پیش می آید که این شروط رعایت نمی شوند. در نتیجه، رای آشکارا اظهار شده، بویژه زمانی که در پشت آن اقلیتی قرار دارد که مغایر با رهبری و اکثریت قاطع حزب عمل می کند، می تواند به آنجا منجر شود که صاحب این رای مورد نکوهش قرار گیرد و در زندگی خود به مثابه کادر حزبی با سابقه، با عواقب ناگواری روبرو شود. حتی مواردی پیش می آید (و این امر، هم در حزب ما و هم در سایر احزاب برادر اتفاق افتاده است) که یک فرد مخالف اکثریت با دادن رای خود به اقلیت مورد پیکرد، محکومیت و مجازات های سخت قرار گیرد و حتی حیات سیاسی چنین کادرهای حزبی ارزشمندی متوقف گردد.

مساله رای گیری مخفی در پی چنین حالاتی، و یا به خاطر احترام از آن طرح می شود.

اگر در فلان حزب معین جو خودکامی، کیش شخصیت، و استبداد وجود دارد، یا این حزب بحران عمیقی را که با اختلاف نظرها و درگیری های جدی درونی همراه است از سر می گذارند در این صورت قابل درک است که عمل رای گیری مخفی در این شرایط معین می تواند گامی در جهت دمکراتیزه زندگی درون حزبی باشد.

لیکن بسیاری احزاب، در نبود چنین وضعیت هایی هم از رای گیری مخفی به مثابه شیوه تأمین آزادی کامل رای استفاده می کنند. مطابق الملاحظات موجود ما درباره ۴۲ حزب کمونیست، در انتخابات کمیته مرکزی ۴ حزب از ۹ حزب کشورهای سوسیالیستی، ۱۵ حزب از ۱۸ حزب کمونیست کشورهای سرمایه داری اروپا، و ۱۰ حزب از ۱۵ حزب کمونیست آمریکای لاتین از رای گیری مخفی استفاده می شود.

در حزب ما سیستم رای گیری مخفی پانگرفته است.

ما ضمن به رسمیت شناختن حق رای اعضای حزب، در عمل حق "موافق" یا "مخالف" رای دادن آنان را به رسمیت می شناسیم. و در صورت پیشبرد کار تربیتی برپایه دمکراتیک و در صورت وجود جو دمکراتیک، رای گیری آشکار مساله ای بوجود نمی آورد.

اگر فرض کنیم که رای گیری آشکار، رای دهنندگان را در معرض تهدید این یا آن تشییقات قرار می دهد و این امر تا حد معینی ابراز رای اعضای حزب را محدود می کند، آنگاه مساله را از دوراه می توان

یا آن طریق، اشکال شرکت اعضای ساده را در این روند گسترش دهد) باید صحیح و حتی مطلوب دانست، اما بهر حال حق رای به معنای حق دادن رای "موافق" یا "مخالف" در صورت وجود پیشنهادات و یا خودداری از رای دادن است.

شرکت کنندگان در رای گیری باید خود را در بیان نظرشان کاملاً آزاد احساس کنند و مطابق وجدان خود رای بدهند.

اما در رابطه با وجه دوم، باید این امر را تأمین نمود تا هر کسی که در رای گیری شرکت می کند قادر باشد سطح مسئولیت این یا آن پست انتخابی، خصوصیات لازمه کسی که به این پست انتخاب می شود و نیز ارزش هر یک از کادرهای با سابقه ای که برای آن پیشنهاد می شوند را مورد ارزیابی قرار دهد.

این امر، هنگامی که صحبت بر سر حساس ترین ارگان ها و پست های حزب است از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد و در این مفهوم، این که نه تنها ترکیب کمیسیون سیاسی، دبیرخانه و دبیرخانه سیاسی دائمی، بلکه همچنین دبیر کل حزب نیز توسط کمیته مرکزی و نه کنگره انتخاب می شود، عملی است کاملاً معقول و مستدل.

علاقه شخصی، احساس حاصله از شنیدن مستقیم یک سخنرانی، شناخت کم عمق از کادرها، و اطلاعات غیرمستولانه، همه و همه می تواند به پیدایش پرتزهای یک سویه و انتخاب احتمالی رفقای منجر گردد که خصوصیاتشان پاسخگوی نیازهای لازم نیست.

به علاوه هنگام بررسی موضوع بالا، باید دو وجه مساله را در نظر داشت.

اولاً، ارگان های رهبری، علی القاعده، بهتر از بخش های اصلی حلقه های پایینی سازمان از خصوصیات و امکانات عموم کادرها در فلان مقطع معین مطلع هستند.

ثانیاً، بسیاری از خصائل مهم شخصیت و کردار این کادرها اغلب از پهنه دید ارگان های رهبری به دور می ماند، در صورتی که در حلقه های پایینی حزب، توسط رفقای که در مبارزه و کار روزمره با آنها در ارتباط هستند مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

از این رو، پیشنهاد نامزدی کادرهای حزبی برای پست های انتخابی از جانب ارگان های رهبری، اصل خوبی است؛ اما بر آن که هر یک از چنین پیشنهاداتی به اندازه کافی مستدل و صحیح باشد - و عمده هم همین است - باید از پیش اطلاعات موجود را جمع آوری کرد و به اظهار نظر هادر مورد این نامزدی ها گوش فراداد.

در رابطه با ارگان های انتخابی، انتخابات دمکراتیک همه دمکراسی درون حزبی نیست. حق اعضای ساده حزب در رابطه با رهبری به حق انتخاب رهبران محدود نمی شود. ارگان های منتخب، برخلاف آنچه که در احزاب بورژوازی معمول است، قدرت را به تصاحب خود در نمی آورند. فعالیت رهبری از شریعت مستمر و دمکراتیک سازمان های پایینی و اعضای ساده حزب در آن، تفکیک ناپذیر است.

مساله رای گیری مخفی

در حزب ما، نه هنگام انتخابات ارگان های

"حزب همانگونه که هست" یکی از نوشته های پر ارزش رفیق آوار و کونیال، دبیرکل حزب کمونیست پرتغال است که توسط این حزب در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است. بخشهایی از این کتاب را در دو شماره اکثریت ۱۲۹ و ۱۲۸ درج کرده ایم. که با استقبال فراوان خوانندگان روبرو شده است. در این شماره بخش دیگری از این کتاب (قسمت پایانی فصل چهارم) را می خوانید. منبع ما برای ترجمه این کتاب به فارسی، ترجمه روسی این نوشته بوده است.

انتخابات رهبری

انتخابی بودن ارگان های رهبری سازمان های حزبی، یکی از اصول دمکراسی درون حزبی است. این حکم، هم در مورد ارگان های مرکزی رهبری و هم در مورد ارگان های رهبری هر کدام از سازمان های مصداق دارد بعد از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ که محدودیت های ناشی از شرایط مخفی از بین رفت برای تحقق این حکم در کار عملی حزب تلاش های فراوانی بعمل آمد.

صحت از روندی است مبتنی بر این معیار که انتخابات ارگان های رهبری باید هر آن گاه، که شرایط آن فراهم آمده باشد، برگزار گردد. این به معنای آن است که این شرایط همواره موجود نیستند و در نبود این شرایط، شتاب در برگزاری انتخابات رهبری، که در این حالت تنها تجلی صوری عمل دمکراتیک است، صحیح نبوده و قلب نمودن خصلت واقعاً دمکراتیک خود پدیده انتخابات می باشد. و تأکید بر اتخاذ تصمیمات نادرست منجر خواهد شد.

چنین حالاتی در جایی بوجود می آید که در اثر عقب ماندگی عمومی سازمان های اولیه حزبی و یا پراکندگی آنها، اعضای حزب به اندازه کافی با یکدیگر آشنا نیستند و کادرهای مسئول حزب هم به نوبه خود، اعضای ساده را خوب نمی شناسند.

این امر همچنین در حیطه آن واحدهای کوچک، یعنی بخش ها و محله هایی روی می دهد که ساختار حزبی و سیاست کادر در آنجا در وضع به ویژه عقب مانده ای قرار دارد.

بالاخره این امر در مورد آن سازمان های منطقه ای حزب هم صادق است که به علت کمیت بالای سازمان های اولیه و بغرنجی مسائلی که برای بررسی مطرح می گردند، کنفرانس های آن پاسخگوی وظیفه و نقش خود نیستند.

در تمامی این موارد، انتصاب اعضای ارگان های رهبری پایینی از جانب ارگان های بالایی و برگماری اعضای جدید در این ارگان ها - اگر چه با قید و شرط های همیشگی به لحاظ خصلت موقتی آن - عملی معمولی و طبیعی است، چرا که منبعث از وجود کمی و کاستی در وجوه مهم فعالیت درونی دمکراتیک حزب است.

با وجود این باید تکامل مثبت تدریجی مجموعه شرایط را در این زمینه مورد تأکید قرار داد.

بعد از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ در سازمان های حزبی با سطوح مختلف ۱۲۷۸ مجمع برگزار گردید که در آن ها ارگان های رهبری مربوطه انتخاب شدند. سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ نیز با برگزاری مجامع سازمان های منطقه ای و ناحیه ای و انتخاب ارگان های رهبری مربوطه مشخص شده اند. بدین ترتیب شاهد گام هایی مهم در زمینه تحکیم دمکراسی درون حزبی هستیم.

هنگام انتخاب ارگان های رهبری، رعایت دو شرط اساسی ضروری است: تضمین حق اعضای ساده حزب برای انتخاب رهبران خود از یک طرف و داشتن دلیل روشن برای انتخاب و امکان تصحیح انتخاب انجام شده از طرف دیگر.

در مورد وجه اول، هر چند که تدوین نوعی دستور العمل را که به انتخابات نظم ببخشد (تا به این

رای گیری بعمل آید. رای گیری باید زمانی صورت گیرد که ضروری باشد. تحت شرایط معینی، رای گیری ممکن است بهترین طریق ابراز عقیده باشد. اما این روندی عام و حتمی نیست.

به عنوان مثال، در بسیاری موارد، هنگام بررسی مسائل متعدد عملی و درجه دو، ارجح آن است که مسائل برای رای گیری حل و فصل شود و در صورت وجود پیشنهادات مشابه، به تذکرات و مخالفت های احتمالی کوتاه اکتفا شود و بحث های طولانی آغاز نگردد و جریان پیدا نکند.

در صورت کار واقعا جمعی، نباید در مورد مسائل مهمتر و از جمله هنگام اتخاذ تصمیمات سیاسی همه چیز را به جز در موارد استثنایی در رای گیری خلاصه کرد. خود مباحثه، امکان می دهد نظر جمعی روشن گردد و شکل بگیرد. نظر جمعی طبعاً از مباحثه بیرون می آید. سندهایی تصحیح شده، یا فرموله کردن جمع بندی به طور شفاهی توسط یکی از رفقا که شاید با این یا آن پیشنهاد در جهت تدقیق بیشتر، تکمیل شده باشد، نتیجه ای جمعی است که بدون ضرورت توسل به رای گیری حاصل می شود.

گاهی این تصمیم گیری را توافق می نامند. این تعریف، کاملاً مناسب است. لیکن باید نسبت به تعریف نادرست از توافق هشدار بود. نباید تصمیم جمعی را که بدون رای گیری و در روند کار دسته جمعی اتخاذ می شود با جمع بندی های یک سویه، عیولانه و مغرضانه ای که در نتیجه مباحثه محدود به عمل آمده است و خیلی ها در جریان آن نظر خود را ابراز نکرده اند اما "توافق" هم قلمداد می شود، مخلوط کرد.

تعمیق کار جمعی، به تکامل تدریجی تصمیماتی که از طریق رای گیری و با رای اکثریت گرفته شده است به این معنا کمک می کند که این تصمیمات به تصمیماتی که با توافق اتخاذ می شوند تبدیل می گردد. و کار باز هم عمیق تر در نهایت به اتفاق نظر منجر می شود.

در چارچوب فعالیت دسته جمعی، اتفاق نظر قاطع ترین دلیل وجود دموکراسی درون حزبی است. البته نمونه هایی هست که اتفاق نظر می تواند تجلی وجود جو اجبار سیاسی و فضای روانی ویژه، پراتیک ضد دموکراتیک، وجود کیش شخصیت، و تفسیر بوروکراتیک و سر باز خانه ای مفاهیم انضباط و وحدت باشد.

در شرایط کنونی، اتفاق نظر در حزب کمونیست پرتغال نقطه اوج تمام روند دموکراتیک فعالیت خللاق و علاقمندانه کمونیست ها و کار دسته جمعی مستمر، کسرتده و تعمیق یافته حزب است.

وقتی در کنگره و کنفرانس ملی حزب با مجمع های سازمان های حزبی در سطوح مختلف صدایا مزارها نماینده با اتفاق نظر اسناد اصلی را به تصویب می رسانند ناظران سطحی تعجب می کنند. این ناظران وقتی باز هم بیشتر به شغفت می آیند که کارت های قرمز رای نمایندگان فضای جلسه را پر می کند و شور نمایندگان را در شرکتشان در رای گیری و پذیرش نتایج آن بازتاب می دهد.

تلاش هایی صورت می گیرد تا این پدیده را (که برای درک این ناظران حیرت آور است) با گزینش گویا حساب شده کادرها، انضباط بسیار سخت گویا سر باز خانه ای، اشکال مختلف فشار و اجبار و حتی عقب ماندگی سیاسی و عقب ماندگی تفکر اعضای حزب، که از آنجا که خود گویا قادر نیستند نه فکر کنند و نه نظر داشته باشند به هر آنچه که پیشنهاد می شود رای می دهند، توضیح دهند.

برخی تا آنجا پیش می روند که رای گیری و اتفاق نظر را که در حزب کمونیست پرتغال دیده می شود با مباحثاتی که همراه با درگیری و محاسبه های ریز و فراوان آرا اکثریت و اقلیت در کنگره های احزاب سیاسی دیگر روی می دهد مقایسه می کنند و بر این مبنا نتیجه می گیرند که دموکراسی واقعی در همین احزاب وجود دارد و وحدت در حزب کمونیست پرتغال حاکی از فقدان دموکراسی در این حزب است. این ارزیابی گواه چهل عقیق نسبت به وضعیت پتیه در صفحه بعد

روزمه حزب مورد استفاده قرار می گیرد جمع بندی کار در ابعاد وسیع و محلی نیز به موقع خود به کار گرفته می شود.

کمیت مرکز، در کنگره های حزبی و کنفرانس های ملی حزب گزارش می دهد، گزارش هایی که در آن راسد های اساسی کارهای انجام شده ذکر گردیده و نتایج آن تجزیه و تحلیل شده و حاوی تذکرات انتقادی است و نیز راسد های کارها و وظایف آتی در آن پیش بینی شده است. این گزارش ها به منظور بررسی و مطالعه به ارگان های مزبور عرضه می شوند.

ارگان های رهبری سازمان های حزبی منطقه ای، ولایتی، ناحیه ای، بخش، جزیره ای، محلی، محله ای، کارخانه ای و حرفه ای در مجمع هایی که از سوی سازمان های مربوطه فراخوانده می شوند گزارش می دهند.

اگر گزارش دهی را در چارچوب واحدهای سازمانی مربوطه حزب بررسی کنیم می توان گفت که این گزارش دهی در صورت وجود شرایط لازم خصلت دو جانبه دارد: گزارش دهی ارگان های پایینی در برابر ارگان های بالا و ارگان های بالایی در برابر ارگان های پایینی.

اما اگر گزارش دهی از نقطه نظر مسئولیت ارگان های حزبی و کمونیست ها در نظر گرفته شود، آنگاه باید در فضایی جاری شود که هر چه مسئولیت ارگان با عضو گزارش دهنده حزب بالاتر است، توقع از آن بیشتر باشد.

گزارش، یعنی قبول مسئولیت در عالی ترین معنای این کلمه در برابر حزب. این امر بیان درک این مطلب است که فعالیت هر کس، جز تفکیک ناپذیر فعالیت همه است.

اکثریت، توافق، اتفاق نظر

تبعیت اقلیت از اکثریت، به مثابه بیان کامل غنای عملکرد دموکراتیک حزب، اساسی ترین اصل است. به زبان دیگر، تبعیت اقلیت از اکثریت منسوب به سبک کاری است که مشخصه های آن رهبر، جمعی و کار جمعی، و نیز حق و آزادی، اظهار عقیده و ایراد انتقاد است.

اما اگر تبعیت اقلیت از اکثریت همچون شکل ساده شده اتخاذ تصمیم و انضباط درک شود، آنگاه این امر، در نهایت، نه قاعده و عملی دموکراتیک، بلکه به روندی بوروکراتیک تبدیل می شود که دموکراسی درون حزبی را به طور فاحش قلب می کند.

مثلاً اگر در فلان سازمان حزبی، بخش بزرگتر اعضای حزب، زمان مباحثات را کاهش دهند، به عقیده دیگران علاقه نشان ندهند و نسبت به آن بی اعتنا باشند و همیشه به استفاده از اکثریت در رای گیری متوسل شوند؛ اصل راستین تصمیم گیری بر حسب اکثریت آرا تحریف و نقض می شود.

در صورت تصمیم گیری با اکثریت، رای گیری به خودی خود اصل نیست. در نبود اتفاق نظر، اصل روشن کردن آن نظر جمعی است که اکثریت از آن دفاع می کند.

از سوی دیگر، رای گیری چنانچه بر تبادول نظر آشکار، صریح و عمیق و اطلاع و مطالعه دقیق و متقابل نظرات مبتنی نباشد و برای به میدان آوردن اکثریت آرا باشد، عملی است صرفاً صوری که هر چند موجبات اتخاذ تصمیم با تعداد بیشتر آرا را فراهم می آورد، لیکن به معنای آن نیست که اکثریت عددی، آگاهانه رای می دهند.

در شرایطی که دموکراسی درون حزبی تا حد معینی محدود شده باشد، تصمیم گیری از طریق رای گیری های پشت سرهم خطر مضاعفی را نیز بوجود می آورد: در میان رای دهندگان گرایش پیروی از همان موضعی که مسئولین امور پیرو آن هستند پیدا می شود و حتی تلاش نمی کنند نه در جوهر مسائل مورد بحث غور کنند و نه موضع آگاهانه ای اتخاذ نمایند.

خود اصل تصمیم گیری با اکثریت آرا به هیچ وجه به معنای آن نیست که در هر مورد باید

حل کرد. راه اول: پذیرش اصل رای گیری مخفی. راه دیگر: انجام تغییرات ضرور در کارکرد خود مکانیسم حزب و پیشبرد کار تربیتی تعمیق یافته تر، پذیرش و اجرای موازین زندگی درون حزبی، یعنی موازینی که حق رای دادن مطابق نظر خود و طبیعتاً دفاع از نقطه نظر خود در برابر دیگران، و توقع برخورد احترام آمیز نسبت به عقیده خود از جانب سایر اعضای حزب را برای هر عضو حزب به طور موثر تأمین می کند.

حزب کمونیست پرتغال رای گیری آشکار را (به مثابه حق تضمین شده همه اعضای حزب) یکی از عالی ترین مظاهر دموکراسی درون حزبی، حرمت واقعی عقیده و اراده هر یک از کمونیست ها، مسئولیت والای هر کس در قبال عقیده و رای خود، و پذیرش آگاهانه و تضمین حقوق همه و هر کس می شمارد.

گزارش دهی

گزارش دهی پیرامون کار انجام شده یکی از اصول عام درون حزبی است که در هر سطح و هر قسمت چه به نحاً فردی و چه به لحاظ جمعی، بیان بسیار متفاوت و شخص پیدا می کند.

از این گذشته، در اجرای هر وظیفه، گزارش دهی شکل معینی است که پیوسته به کار گرفته می شود و عملی است ضروری و حتمی. در کار روزمره حزب، کنترل بر اجرا عبارت است از نظارت مستمر بر انجام وظایف و مطالبه گزارش منظم و به موقع از ارگان های حزبی و اعضای حزب پیرامون کارهای محوله به آنان. کار بسیار شدید حزب، این گزارش دهی را به عنصری طبیعی و الزامی در هر لحظه تبدیل می کند.

به ویژه با توجه به این نکته که اجرای تصمیمات اتخاذ شده اغلب به طول می انجامد و با این تصمیمات به سادگی فراموش می شوند، ارتقا کنترل بر اجرا باید پیوسته در مرکز توجه همه ارگان های حزبی مسئول قرار داشته باشد.

هیچ ارگان حزبی و هیچ کمونیستی نمی تواند مدعی شود که او "به هیچ کس جوابگو نیست". همه مؤلف هستند از فعالیت خود به کسی گزارش بدهند. و این کس، حزب است در چهره ارگان ها یا اعضای ذی صلاح خود.

اگر گزارش دهی برای یک کمونیست یا ارگان حزبی مشکل است و یا صرفاً آن را فراموش می کنند، حزب باید از آنها طلب کند، چرا که کسی که از کار خود گزارش ندهد نه تنها آسیب می زند، ویران می کند، اختلال ایجاد می کند، و حزب را در فعالیت خود به عقب می راند، بلکه وضعیت، عادات و معایبی ایجاد می کند که با اصول بنیادی دموکراسی درون حزبی در تضاد قرار دارد.

گزارش دهی به هیچ وجه اقدام جبری ناشی از بی اعتمادی، اقدام از روی سلسله مراتب و یا اتوریته ناکافی نیست. گزارش دهی تنها بیان این امر است که در رابطه با تکلیف مقرر و در چارچوب کار جمعی، چه کاری و چرا انجام شده است. یا آن که چه کاری انجام نشده است و چرا. برای همه ارگان های حزبی و تمام اعضای حزب، گزارش دهی عملی است منظم، ساده و عادی. گزارش دهی خصلت عمومی و هر روزه کل دینامیک کار حزبی است.

اعضای حزب هم در برابر سازمان های اولیه و هم در برابر ارگان های مافوق، از فعالیت خود گزارش می دهند. سازمان های اولیه و ارگان های حزبی که در بالای آن قرار دارند نیز به نوبه خود از کارشان گزارش می دهند.

شکل متداول گزارش دهی پیرامون فعالیت ارگان های حزبی عبارت است از انتشار اسناد، مقالات، خطابه ها و سخنرانی ها، برگزاری پلنوم، پیشبرد مباحثات و دیگر اشکال خبر رسانی و کار توضیحی درباره فعالیت حزب.

علاوه بر اشکال جاری گزارش دهی، که در کار

حزب همانگونه که هست

بقیه از صفحه قبل

واقعی امور و برخورد سطحی، محدود، بوروکراتیک، و خرده بورژوازی به مساله دموکراسی است.

اما واقعا چرا در کنگره های احزاب یاد شده، این قدر بحث های حاد و متشنج روی می دهد؟ چرا در این احزاب، چنین اشتقاق عمیق و مستمری پیرامون تمامی مسائل مورد بحث پیش می آید؟ چرا این گونه تقابل عقاید و آرا بر سر پلاتفرم های سیاسی متضاد و رهبرانی که پیوسته بین خود درستیزند بوجود می آید؟ محاسبه اینقدر ذره بینی آرا هنگام رای گیری بر سر بی اهمیت ترین مسائل به چه منظور صورت می گیرد؟

این همه از آن روست که در این احزاب دموکراسی راستین درون حزبی وجود ندارد، در طول سالیان دراز، مجموعه شرایط ضد دموکراتیک مجاز شده و راه جویی مستمر برای مشارکت اعضای ساده در امر مشترک و شیوه های دموکراتیک صورت نگرفت و بالاخره از آن روست که در این احزاب کار جمعی وجود ندارد.

در این موارد، بحث های سخت و اوضاع متشنج در هنگام رای گیری، از جانب اکثریت و اقلیت دلیل آشکار و جامع فقدان دموکراسی درونی در این احزاب است.

اما اتفاق نظر هنگام تصمیم گیری در حزب کمونیست پرتغال، عین کاری را نشان می دهد که از قبل و با شرکت اعضای ساده حزب انجام شد. اعضای حزب با پیشنهادات و تذکرات خود در دست یابی به نتیجه حاصله سهیم بوده اند.

زمانی که بر سر اقدامی بزرگ، در حزب رای گیری وسیع و یکپارچه صورت می گیرد، هر رای دهنده ای کاملاً واقف است که نه به چیزی که از بالا فرمان داده شده و برای او بیگانه است، بلکه به چیزی فردی رای می دهد، چرا که او سهم خویش را در این امر ادا کرده و یا اگر ضرور بداند ادا خواهد کرد.

رای گیری همراه با اتفاق نظر که در فضای شوری وافر جریان می یابد، شکل نهایی تجلی کل روند دموکراتیک مباحثه، شکل گیری نظرات و تصمیم گیری است. اما این رای گیری واقعیت حزب را نیز با تمام وسعت و عمق، و با تمام غنای خود که بدون استثناء تمامی وجوه زندگی و فعالیت حزب را در بر می گیرد بازتاب می دهد.

اتفاق آرا در کنگره های حزب کمونیست پرتغال شمر نهایی واقعی بودن رهبری و کار جمعی، به رسمیت شناختن حقوق برابر همه کمونیستها، دموکراسی راستین درون حزبی، و وقوف همه بر این

امر است که این دموکراسی وجود دارد و تضمین شده است.

کنگره، کنفرانس ملی، و مجمع

کنگره ها و کنفرانس های ملی حزب و مجامع سازمان های حزبی در حیات حزب نقش فوق العاده مهمی ایفا می کنند و یکی از روشن ترین مظاهر سانترالیزم دموکراتیک می باشند.

حتی در شرایط مخفی، علیرغم وجود دشواری ها و محدودیت های ناشی از الزامات امنیتی، کنگره های حزب نقش برجسته ای در استقرار میانی دموکراتیک حیات حزبی ایفا کردند.

بعد از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ تغییرات عظیمی روی داد که گسترش خلق سانترالیزم دموکراتیک را امکان پذیر می ساخت. از کنگره به کنگره - مهمان (فوق العاده) در سال ۱۹۷۴، کنگره هشتم در سال ۱۹۷۶، کنگره نهم در سال ۱۹۷۹، و کنگره دهم در سال ۱۹۸۲ - خصلت جمعی تدارک و برکزاری کنگره ها، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ فنی - سازمانی مستمرا افزایش یافت.

کنگره ها با بسیج تمام حزب، از کمیته مرکزی تا سازمان های اولیه، نیروی کلکتیو حزب کمونیست پرتغال را به نمایش می گذارند. کنگره حزب جایی است که تمام کلکتیو سراسری حزب فکر می کند، کار می کند، تصمیم می گیرد و آن هم در فضای غلبان فراگیر شوروی که به عیان و تمام نشان می دهد که تا چه اندازه در حزب کمونیست پرتغال مشی سیاسی عمومی، فعالیت سخت، وحدت و انضباط از دموکراسی درون حزبی تفکیک ناپذیرند.

این امر - البته در مقیاسی کوچک تر - در مورد کنفرانس های ملی حزب نیز که پس از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ به منظور حل مسائل مشخص برگزار گردیده است صادق است. از سال ۱۹۷۷، ۱۱ کنفرانس ملی تشکیل شده است که سرنوشت آنها به وضعیت اقتصادی کشور و سیاست اقتصادی حزب، یکی به مسائل بازار مشترک، دوتابه کار ارگان های محلی حکومت و پنج تای آن به تدارک فعالیت های انتخاباتی اختصاص داشته است.

بالاخره، مجامع سازمان های حزبی هم، مانند کنگره و کنفرانس های ملی، یکی از مهم ترین و شاخص ترین وجوه زندگی درون حزبی است.

در اساسنامه حزب (ماده ۲۲) آمده است: "مجمع، ارگان عالی هریک از سازمان های منطقه ای، ناحیه ای، بخش، جزیره ای، محلی، و کارخانه ای است که نمایندگان یک حرفه یا رشته را شامل می گردد".

مجمع، به مثابه ارگان عالی هریک از این سازمان های حزبی و کل آنها در مجموع خود، مقام مهمی را در ساختار سازمانی حزب و در سیستم رهبری حزب احراز می نماید. اما وظایف مجمع به این

و متذکر شدیم که برای برکزاری مسابقه برگشت به این کشور نخواهیم رفت. لازم به یاد آوری است که دو سال پیش نیز جمهوری اسلامی به علت مخالفت با برکزاری مسابقات دور دوم بازیهای مقدماتی جام جهانی مکزیک، مانع حضور تیم ملی فوتبال ایران در مکزیک شد.

ارزنده های ملی برای واردات دارو صرف نیازهای جنگی گردید

کپهان ۲۲ دیماه - دکتر علیرضا مرندی وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در مصاحبه ای با کپهان به ناسامانی های موجود در امور درمانی و پزشکی اعتراف کرد. وی فاش ساخت که علت اصلی کمبود شدید دارو و پاشین آمدن کیفیت خدمات پزشکی کشور، همانا فقدان ارز و ناچیز بودن اعتبارات تخصیصی به این وزارتخانه می باشد. وزیر

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

تیم ملی فوتبال ایران

در بازیهای المپیک سئول شرکت نمی کند

روز شنبه ۲۷ دی ماه اعلام شد که تیم ملی فوتبال ایران برای برکزاری بازی برگشت خود با تیم ملی کویت به این کشور نخواهد رفت. این بازی که در چارچوب مسابقات فوتبال مقدماتی بازیهای المپیک سال ۱۹۸۸ سئول برگزار می شود، قرار بود شانزدهم اسفندماه در کویت صورت گیرد.

رئیس فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی در توضیح خبر فوق افزود مابه دنبال تصمیم مسئولین کشور در مورد عدم شرکت در کنفرانس سران کشورهای اسلامی در کویت، به "فیفا" نامه نوشته

محدود نمی شود.

مجمع به مقابله یکی از اجزای ارزشمند دموکراسی درون حزبی نقش قابل توجهی ایفا می کند و عملی بر تمامی جزئیات زندگی حزبی شدیداً تأثیر می گذارد.

از ۲۵ آوریل سال ۱۹۷۴ تا ماه مه سال ۱۹۸۵، ۱۲ مجمع سازمان حزبی تشکیل شده است که ۱۲ مورد آن منطقه ای، ۵ مورد ولایتی، ۲۲۷ مورد ناحیه ای ۲۹۲ مورد در سطح بخش، ۸۴ مورد محلی، ۱۲۰ مورد محله ای - رشته ای و زیر رشته ای، و ۲۴۶ مورد آن در سطح حوزه ها بوده است. از کنگره هشتم تا امروز به طور متوسط در هر ماه ۱۲ مجمع برگزار شده است. مجمع بزرگ منطقه ای که در سال های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ برگزار گردیده است از اهمیت خاصی برخوردار بوده اند.

انجام تحقیقات و تنظیم اسناد در رابطه با تمامی جوانب زندگی هر گروه مشخص از اعضای حزب، جلسات و مباحثات اولیه، انتخاب نمایندگان، تدارک، سازماندهی و خود جریان کار مجمع ها، همه و همه مستلزم فعالیت جدی و دقیق چه سیاسی و چه فنی - سازمانی است.

مجمع در حیات سازمان حزبی مربوطه، و خیلی وقت ها در مقیاس ملی هم، رویداد بزرگی به شمار می رود. مجمع منطقه ای و مجمع بسیاری سازمان های حزبی ناحیه ای و کارخانه ای که صدها و خیلی اوقات هزارها نماینده و مهمان در کار آن شرکت دارند موبد سطح عالی آمادگی، امکانات و تجربه کسانی است که این مجمع را بر گزار می کنند.

مجمع ها به خودی خود هم ارزش فراوانی دارند. اما ارزش این مجمع در کاری که قبل از آنها انجام شده و در نتایج فعالیتی است که بعد از برگزاری این مجمع انجام می شود.

مجمع نیز مانند هم کنگره و هم کنفرانس ملی، سازمان های حزبی را به مطالعه اوضاع از پشت منشور فعالیت تشکیلات حزبی مربوطه، به جمع بندی کار انجام شده، و به تعیین راسهای آتی آن وامی دارد؛ گزارش دهی ارگان های رهبری را نظم می بخشد؛ انتخاب ارگان های رهبری را ممکن می سازد؛ کمونیستها را فعال می کند و به اقدامات درست اجرا تحرک بیشتر می بخشد؛ کار جمعی را در عمل رشد می دهد و مضمون آن را غنی می سازد؛ و انسجام و وحدت صفوف حزب را تحکیم می کند.

همه و هر یک از این اجلاس ها، یعنی کنگره ها و کنفرانس های ملی حزب، مجامع سازمان های حزبی در سطوح مختلف و همچنین کنفرانس های ملی و دیدارهای سازمان های حزبی بر حسب رشته های اقتصاد به خودی خود اجزای مهمی و در عین حال نتیجه سبک کار مرسوم در حزب کمونیست پرتغال است.

این اجلاس ها، از نقطه نظر اصول سازمانی، نمونه اهمیت حقیقتاً فوق العاده دموکراسی درون حزبی و کار جمعی، و عالی ترین شکل تجلی این کار به مثابه جزئی از سانترالیزم دموکراتیک است.

بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در پاسخ به این سؤال یک خبرنگار که پرسیده بود علت "کمبود همه نوع دارو و حتی استامینوفین و ویا یک شربت سینه کودکان" چیست، چنین پاسخ داد: کمبود این داروها دلایلی دارد که مهمترینش محدودیت ارز یانحوه تخصیص ارز، نامرتب بودن آن است... در اواخر سال گذشته، مقدار زیادی از ارزی که سهم دارویی ما بوده به وزارتخانه تخصیص نشد.

دکتر مرندی افزود: "علیرغم این که جمعیت همه ساله اضافه شده، علیرغم این که جنگ تحمیلی وجود داشته، چه مجروحین جبهه ها و چه بمباران های وحشیانه عراق برای ما مجروحین و معلولینی آورده که روی هم اضافه شده و مراجعین (به بیمارستان ها) ظرف سه یا چهار سال ۱۶،۱۵ برابر شده، اعتبارات مانده تنها افزایش پیدا نکرده بلکه کاهش هم پیدا کرده است."

آمریکا: تظاهرات همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

"شب ایران" در برلین غربی

در تاریخ پنجم آذر ماه (۲۶ نوامبر) از سوی زنان پیشروی ایرانی در برلین غربی، برنامه‌ای تحت عنوان "شب ایران" در این شهر برگزار گردید. در این برنامه زنان مترقی ایرانی با ایراد سخنرانی و پاسخ به پرسش‌های شرکت‌کنندگان پیریه کریم رژیم خمینی را آشکارتر ساختند.

در این برنامه علاوه بر تعداد زیادی از ایرانیان مقیم برلین غربی و اهالی این شهر، نمایندگان و شخصیت‌هایی از حزب متحده سوسیالیست برلین غربی، حزب سوسیال دمکرات و تشکیلات دمکراتیک زنان برلین و ... حضور داشتند که با نمایش اسلایدهایی از زندگی و مبارزات زنان ایران در جریان انقلاب و پس از آن، عمیقاً تحت تأثیر رژیم قهرمانانه زنان ایران برای دستیابی به صلح و دمکراسی قرار گرفتند.

تیراژ سیصد هزار نسخه به درج گزارشی در باره آن مبادرت کرد. همچنین فرستنده‌های رادیویی K.R.F.T و C.B.S با اعزام گزارشگران خود به محل تظاهرات با فداییان خلق به مصاحبه پرداختند. در این مصاحبه‌ها فداییان با تشریح چگونگی مبارزه زندانیان سیاسی و مقاومت پر حماسه آنان در برابر فشارهای جنون‌آمیز جلادان خمینی و ضرورت قطع ارسال اسلحه به ایران، قطع فوری نفت، آزادی زندانیان سیاسی، قطع شکنجه و کشتار آنان و همچنین لزوم بازدید یک هیئت حقوقی و پزشکی از زندان‌های ایران تأکید نمودند.

رادیو C.B.S فردای همانروز به پخش مصاحبه نسیعانه گزارشگر خود با فداییان دست زد و بدین طریق هزاران شنونده آمریکایی را در جریان اهداف انقلابی و انسانی تظاهرات کنندگان قرار داد.

ایران گوش فرادادند. وی در سخنان خود جنگ، اختناق، سرکوب و وحشیانه انقلابیون ایران و اعتصاب غذای زندانیان سیاسی میهن ما را مورد بررسی قرار داده، انزجار شدید مردم و نیروهای انسان‌دوست آمریکا را نسبت به سیاست‌های جنایتکارانه حکومت جمهوری اسلامی اعلام داشت.

مسئول صلیب سرخ هوستون ضمن حضور در میان تظاهر کنندگان به ابراز همدردی با زندانیان سیاسی و حمایت از خواستهای تظاهر کنندگان پرداخت و گفت درخواستهای کمیته موقت را به اطلاع مقامات صلیب سرخ جهانی رسانده است. وی افزود صلیب سرخ جهانی برای پیگیری وضعیت زندانیان سیاسی ایران قول مساعد داده است.

خبر این تظاهرات در رسانه‌های گروهی آمریکا بازتاب قابل توجهی یافت. از جمله یک روزنامه محلی با

روز اول دی ماه در برابر ساختمان صلیب سرخ در شهر هوستون مرکز ایالت تگزاس آمریکا تظاهراتی در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران برپا شد.

این تظاهرات به ابتکار کمیته موقت دفاع از حقوق بشر در ایران متشکل از هواداران سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) - هوستون، حزب کمونیست آمریکا - هوستون، هواداران جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین و هواداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین در هوستون و کمیته همبستگی ۲۲ نوامبر، برپا شد.

تظاهر کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی که در آنها شعارهای "زندانهای سیاسی را آزاد کنید!"، "ارسال اسلحه به ایران باید قطع شود" و ... به چشم می‌خورد، در مقابل ساختمان صلیب سرخ گرد آمده به سخنرانی یک زن مترقی آمریکایی عضو کمیته موقت دفاع از حقوق بشر در

دفاع از زندانیان سیاسی ایران در بوخوم - آلمان فدرال

روز جمعه ۲۸ آذرماه، در مرکز شهر بوخوم - آلمان فدرال تظاهراتی استاده‌ای در حمایت از زندانیان سیاسی ایران برگزار گردید. این تظاهرات که با شرکت فداییان خلق صورت گرفته بود، توجه عابری را برانگیخت.

فداییان خلق که با در دست داشتن پلاکاردهایی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و افشای شکنجه و بیگانه‌سازی دژخیمان جمهوری اسلامی در محل حضور داشتند، ضمن پخش اعلامیه نمایندگی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در اروپا پیرامون اعتصاب زندانیان سیاسی ایران و خفقان حاکم بر میهن ما، مردم را در جریان سیاست‌های ضدانسانی رژیم آزادی‌کش خمینی قرار دادند.

کسانی که با مراجعه به فداییان اعلامیه‌های سازمان را دریافت می‌کردند ضمن ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران و محکوم نمودن اقدامات ارتجاعی زمامداران جمهوری اسلامی، حمایت خویش را از خواستهای تظاهر کنندگان مبنی بر آزادی زندانیان سیاسی ایران و بیابان دان به شکنجه و اعدام در کشورمان اعلام می‌کردند.

اجتماع ضد امپریالیستی در آمستردام

جمهوری اسلامی به کشورهای امپریالیستی اساساً در ماهیت بورژوازی این رژیم نهفته است. ... آمریکا و رژیم خمینی هر دو سرکوب و کشتار انقلابیون و میهن پرستان ایران و بویژه کمونیست‌ها را می‌خواهند. سخنرانان حزب کمونیست‌های هلند و کمیته همبستگی با نیکاراکوئه نیز در سخنرانی‌هایشان به تحویل اسلحه توسط آمریکا به جمهوری اسلامی اشاره کرده، آنرا محکوم نمودند. گزارش این تظاهرات در نشریه هفتگی "مانیفست" ارگان حزب کمونیست‌های هلند به چاپ رسیده است.

کمونیست لبنان، کمیته حمایت از حزب کمونیست اندونزی، کمیته همبستگی با نیکاراکوئه و سازمان جوانان کمونیست هلند، نماینده فداییان خلق در هلند در این تظاهرات به سخنرانی پرداخت و ی ابتداء با مردم و دولت نیکاراکوئه در دفاع از آرمانهای انقلاب این کشور و ایستادگی در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا اعلام همبستگی کرد. سپس "همکاری دولت ریگان و رژیم خمینی برای ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق" محکوم گردید و گفته شد "علت نزدیکی فزاینده

روز پنج شنبه هیجدهم دسامبر از سوی حزب کمونیست‌های هلند تظاهراتی استاده‌ای در مقابل کنسولگری آمریکا در آمستردام برپا شد که در آن تجاوز اخیر آمریکابه نیکاراکوئه و مناسبات افشاشده آمریکا و ایران محکوم گردید. شرکت کنندگان در این تظاهرات عبارت بودند از: حزب کمونیست‌های هلند، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست ترکیه (وحدت)، حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا، حزب

ایتالیا: جنگ ایران و عراق، مسابقه مرگ

بقیه از صفحه آخر

جنگ مردم دو کشور همسایه نبوده و نیست. بلکه مسابقه مرگی است بین جنایتکارانی چون خمینی و صدام حسین که تنها و تنها منافع دو رژیم و ارتجاع جهانی را حفظ می‌کند. نماینده کمیته صلح ایران و عراق ضمن ابراز نگرانی نسبت به خطر منطقه‌ای شدن جنگ، خواهان گسترش همبستگی جهانی نیروهای صلح و ترقی با مردم دو کشور در مبارزه علیه ادامه این جنگ خانمانسوز شد و از آنها خواست امپریالیسم آمریکا و همه

محافل جنگ افروزی را که با فروش اسلحه به حکومت‌های ایران و عراق ایضاً این فاجعه هولناک را بزرگ‌تر می‌کند، محکوم می‌کنند. فعالیت‌های کمیته صلح ایران و عراق در آکسیون‌های صلح استان بازیلیکاتا، در رسانه‌های گروهی ایتالیا بازتاب چشمگیری یافت. منجمده در روز ۱۱ دی‌ماه کانال سوم تلویزیون ایتالیا ضمن پخش فیلم گردهمایی صلح دوستان در همانروز، با نماینده این کمیته نیز مصاحبه

نمود. روز بعد نیز رادیو ایتالیا و فرستنده‌های تلویزیونی T.P.I، B.R.T و T.S.P با پخش مصاحبه‌هایی در زمینه جنگ ایران و عراق، خواست کمیته صلح ایران و عراق مبنی بر قطع فوری جنگ بین این دو کشور را به اطلاع مردم ایتالیا رساندند. روزنامه "کاترنا" نیز در همین رابطه ضمن درج مصاحبه‌ای با نماینده این کمیته خواستهای صلح طلبانه مردم ایران و عراق را مورد تأیید قرار داده

نامه سید مهدی هاشمی به منتظری

نشریه "خروش موحد" (شماره ۴۷) کلیشه یکی از آخرین نامه‌های سید مهدی هاشمی به آیت الله منتظری را به چاپ رسانده است. هاشمی در این نامه نوشته است که "از فردای اعلام رای مجلس خبرگان نسبت به رهبری آینده انقلاب، جنب و جوش‌های توطئه آمیزی در داخل و خارج کشور و فشار بر حضرتعالی شروع شد... آقای هاشمی رفسنجانی و خامنه‌ای و احمد آقا و مثلی که بر کل اوضاع کشور و حتی بر مجاری اندیشه امام تسلط داشته و حکومت می‌کنند... به آینده و دورنمای رهبری آینده انقلاب مضطربانه چشم دوخته دست به سبک و سنگین کردن معاملات بیت و دفتر حضرتعالی زده‌اند... نظر و تحلیل این مثلث از حضرتعالی و بیت شما این است که خود آقا تابع محض نظریات و القایات دوسه نفر است... شگرد اجرایی این سیاست این است که دو آکبپ که در واقع امر خواست آنان را همان مثلث بعیده دارد مأمور شده‌اند یکی روی حضرتعالی فشار وارد سازد و دیگری سید مهدی را به تسلیم بکشاند و سید آقا را نیز جذب خود نمایند. آکبپ اول عبارتند از سید احمد خمینی که... سعی نمود از موضع امام شما را متوحش گردانند که سید مهدی کذا و کذا است و آقای ری شهری که بسان دیگری همان هدف را تعقیب نمود و آقای کروبی... آکبپ دوم عبارتند از دکتر هادی... و آقای نوری و ابراهیمی و شریعتی... در نامه هاشمی به منتظری هم چنین آمده است که آن "مثلث" از طریق این دو آکبپ درصدد است موقعیت "جریان محافظه کار" را در دفتر منتظری تقویت کند. وی که خود را رادیکال می‌نامد، می‌نویسد "خط رادیکال... سبیل جریان ناراضیان کشور" است لذا آنها "بر آن شده‌اند تا این خطر را یحذف کنند و یاب به تسلیم بکشاند."

در بخش پایانی این نامه سید مهدی هاشمی احتمال دستگیری را پیش کشید و نوشت: "وجود من چه خطری برای آقایان ایجاد کرده که همه نیروها براه افتاده‌اند تا مرا متکوب کنند مگر من در این مملکت به مناسب آقایان و قدرت فرمانبرداری و جاه و جبروتشان لایم ای زده‌ام؟ مطمئناً این مثلث امام را نیز به موضعگیری خواهند انداخته"

سلطنت طلب‌ها هم "میان‌رو" شده‌اند!

همانند آمریکا "شخص معقول تری" را از میان رژیم به قدرت برسانند. علی امینی در این مصاحبه در عین حال ناامیدی کامل سلطنت طلبان رانیز بازتاب داد. نخست وزیر اسبق شاه که به پیروی از "مدروز" خود را "میان‌رو" می‌نامید، ناامیدی خود را با این جملات اظهار داشت که پس از تحولات اخیر "میان‌روها سر در گم‌اند و نمیدانند چه باید بکنند." آزاده شفیق، دختر اشراف پهلوی، که سرکردگی یکی دیگر از دستجات سلطنت طلب را برعهده دارد در مصاحبه‌ای (مندرج در کیهان لندن شماره ۱۲۹) اظهار نظر کرد که حمایت آمریکا از رژیم خمینی به معنی پیروزی مبارزه با این رژیم است وی گفت: "دانستن این دو موضوع که آمریکا از خمینی پشتیبانی می‌کند مسائل را برای همه ساده می‌کند. خمینی در قدرت باقی خواهد ماند همین"

بدنبال علنی شدن مناسبات کاخ سفید و جماران و اعلان پشتیبانی تسلیحاتی آمریکا از رژیم خمینی، دستجات سلطنت طلب که با تزریق دلار توسط سیاه پامانده‌اند، تبعیت بی‌چون و چرای خود را از سیاست و تاکتیک‌های آمریکا در وضعیت نوین اعلام می‌دارند. دکتر علی امینی که سرکرده بزرگترین باند سلطنت طلب است طی مصاحبه‌ای تاکید کرد "می‌تواند درک کند که آمریکا برای حفظ منافع خود در داخل ایران دنبال کسی بوده باشد تا بتواند با او کار کند." وی هم چنین گفت "رویدادهای اخیر ثابت می‌کند که کلیه تلاش‌های ما برای براندازی (او خمینی) بی‌پایه بوده است." با وجود این امینی در همین مصاحبه (که در نشریه کیهان لندن شماره ۱۲۹ درج شده است) تصریح کرد که این دستجات در گذشته نیز بجای "براندازی" رژیم، در صدد بودند

گزارشی پیرامون شکنجه زندانیان سیاسی

کف پا ویا کمر، چشماهای زندانی را همیشه در چنین حالتی می‌بندند و بطور متداول دستهایش را و بعضی اوقات پاهایش را نیز می‌بندند... ضربات با شلاق و یا کابل‌های سیمی... انجام می‌گیرد.

یک دختر دانشجوی... برای ما... گزارش نمود... چشماهای مرا بستند و به من امر کردند که به روی زمین دراز بکشم. یکی از آنها... با کابل سنگینی کف پاهای مرا شلاق زد... اولین ضربه چنان دردناک بود که من به هوا جهیدم... آنها پس دستهای مرا از پشتم به هم بستند و پاهایم را نیز بستند... سرم را با پارچه‌ای پوشاندند. سپس دوباره شروع به زدن به کف پاهایم و پشتم کردند... من نمیدانم چه مدت این کار طول کشید... هنگامیکه بالاخره از زدن دست کشیدند، شدیداً از پاهایم خون می‌آمد بویژه از ناخنهایم... من آنچنان شدیداً لرزیدم که نتوانستم خودم را بر روی صندلی نگه دارم. اما اجازه دراز کشیدن به روی زمین را هم نداشتیم. تنها چیزی که می‌خواستیم نوشیدن آب بود..."

در این گزارش سپس روشهای دیگر شکنجه در سیاهچالهای رژیم از قبیل تجاوز جنسی، اعدامهای ساختگی، شکنجه بستگان زندانی، تماشای اجباری صحنه‌های اعدام... به نقل از شهود عینی تشریح گردیده است.

به وکیل یا پزشک دارند و نه می‌توانند از یک راهی بر علیه زندانی شدنشان اقدام نمایند... طبق اطلاعات سازمان عفو بین الملل، اعضای خانواده‌ها به منظور اعمال فشار به روی زندانی و گرفتن اقرار و کسب اطلاعات از او شکنجه شده‌اند...

زندانیان به منظور گرفتن اقرار و اطلاعات درباره فعالیت‌های سیاسی و هم چنین بدست آوردن نام و آدرس افرادی که فعالیت سیاسی دارند شکنجه می‌شوند. ویا اینکه زندانیان باید اعلام موافقت نمایند در برابر دوربین تلویزیون اعتقادات سیاسی و مذهبی خود را نفی کنند...

در گزارش سازمان عفو بین الملل پس به اشکال عدیده شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی اشاره شده است:

"... زندانیانی که جدید به مراکز حبس آورده می‌شوند اغلب تمامی پیکر آنها بدون انتخاب، مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد... زندانی که چشمهایش بسته است زیر ضرب و شتم قرار دارد و او را با مشت و لگد می‌زنند، از این تنگنایان به تنگنای بعدی پاس داده می‌شود... این امر مقاومت را می‌شکند و باعث ایجاد احساس تنهایی و عدم اطمینان می‌شود. شکنجه گران در موارد دیگر به هنگام ضرب و شتم، خود را به روی بخش‌های معینی از پیکر قربانی متمرکز می‌کنند، و بیش از همه به روی

مهاجر "نشریه انجمن ایرانیان در دانشگاه" در شماره ۱۸ ترجمه کامل یک گزارش سازمان عفو بین الملل را با عنوان "شکنجه و خشونت باز زندانیان سیاسی در ایران" منتشر کرده است. در آغاز این گزارش آمده است:

"همواره گزارشاتی به سازمان عفو بین الملل می‌رسند که زندانیان سیاسی در ایران در صدها مراکز حبس مخفی شکنجه می‌شوند و مورد بد رفتاری قرار می‌گیرند. بسیاری از این مراکز در دوران حکومت شاه توسط پلیس مخفی ساواک به همین منظور مورد استفاده قرار می‌گرفت.

البته در این فاصله بایستی زندانیان بیشتری موجود باشد که در ساختمانهای کمیته‌های مخفی و پاساژهای پاسداران... قرار دارند. ساختمانهای اداری، خانه‌های شخصی و مدارس هم (به همین منظور) مورد استفاده قرار می‌گیرند. گفته می‌شود که در یک مورد یک تاجر به عنوان محل حبس استتار شده مورد استفاده قرار گرفته است.

... زندانیان سیاسی بلافاصله پس از دستگیری... در مراکز کمیته‌ها ویا مراکز پاسداران انقلاب، و همچنین بعداً در زندانها شکنجه می‌شوند.

مدت بازداشت بدون رسیدگی توسط دادگاه ویا کیفرخواست نامحدود است. زندانیان نه دسترسی

ضد انقلاب افغانستان

پیشنهاد آتش بس را رد کرد

در روز ۲۷ دی ماه رهبران ائتلاف مفت گانه "اتحاد اسلامی افغانستان" طی یک میتینگ در پیشاور پاکستان اعلام کردند پیشنهاد آتش بس و آشتی ملی رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان را نپذیرفته همچنان به جنگ ادامه خواهند داد. سران این گروه بندی ضد انقلابی تاکید کردند هر گونه تلاشی را که در صفوف گروه های خود برای برقراری صلح به عمل آید، سرکوب خواهند نمود.

بدنبال این امر در روز یکشنبه ۲۸ دیماه دکتر نجیب دبیرکل حزب دمکراتیک خلق افغانستان طی سخنانی در کابل یکبار دیگر رهبران گروه های ضدانقلابی مستقر در خارج از کشور را فراخواند. دبیر بیش از این خواست مردم افغانستان برای برقراری صلح را ندیده نگرفته خود نیز دست به ارائه پیشنهادهای سازنده بزنند.

به گزارش رادیو کابل، بزرگترین گروه مسلح فعال علیه دولت در ولایت کوشک استان هرات که ۲۵۰۰ تن را در بر می گرفت، سلاح های خود را به زمین گذاشت. بدین ترتیب شمار ضد انقلابیون تسلیم شده از آغاز سال جاری میلادی به حدود ۴ هزار تن رسیده است.

نماینده عالی رتبه اتحاد شوروی از روز یکشنبه ۲۸ دیماه در اسلام آباد پایتخت پاکستان مذاکراتی را با دولت پاکستان آغاز کرد. آناتولی کووالیف معاون اول وزیر امور خارجه شوروی در این روز با وزیر امور خارجه پاکستان دیدار و در مورد موضوعات مختلف، از جمله حضور نظامی اتحاد شوروی در افغانستان گفتگو کرد. پس از پایان این مذاکرات در اسلام آباد اعلام شد یعقوب خان وزیر خارجه پاکستان به زودی به مسکو خواهد رفت. آرماکوست از مقامات وزارت خارجه آمریکا نیز هفته گذشته وارد اسلام آباد شد تا مذاکراتی در مورد تدوین موضع مشترک دو کشور در قبال سیاست آشتی ملی رهبری افغانستان آغاز کند.

اخبار کوتاه

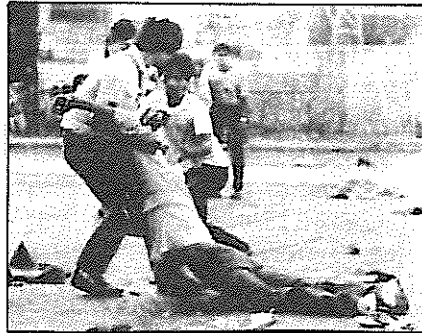
* پلیس رژیم چون دوهوان در کره جنوبی یک دانشجوی دستگیر شده را در زیر شکنجه به قتل رساند. پس از کشف علایم شکنجه در جسد این دانشجو، دیکتاتور کره جنوبی ناچار گردید وزیر کشور و رئیس پلیس این کشور را از کار برکنار سازد.

* در شهر فونیه ترکیه پلیس ۲۶ افراطی مذهبی را دستگیر کرد. این عده در اعتراض به ممنوع شدن روسری و چادر برای دانشجویان دختر و ریش، عمامه و شلوار چین برای دانشجویان پسر دست به تجمع زده بودند. فونیه از مراکز افراطیون اسلامی در ترکیه است.

* دولت نیکاراگوئه سه شبهه گذشته هنگام دیدار "گروه ده نفره" شامل وزرای خارجه هشت کشور آمریکای لاتین و دبیران کل سازمان ملل متحد و سازمان کشورهای آمریکایی پیشنهاد های جدیدی برای حل بحران آمریکای مرکزی ارائه کرد.

نظامیان فیلیپین تظاهرات دهقانان را به خون کشیدند

واقعی سخنی به میان نیامده است. این امر تعجبی ندارد. خود آکینو از زمینداران بزرگ فیلیپین محسوب می شود. او در مالکیت زمینی شریک است که ۶۵ کیلومتر مربع وسعت دارد و در آن نیشکر کشت می شود. ۲۵۰۰ دهقان "رعیت" شخص آکینو محسوب می شوند.



یکی از قربانیان تظاهرات بخون کشیده شده دهقانان فیلیپین را از زیر رگبار گلوله ها بیرون می برند.

تفنگداران دریایی و افراد پلیس فیلیپین پنجشنبه گذشته به یک تظاهرات دهقانان در برابر کاخ ریاست جمهوری در مانیل یورش برده و ۱۰۰۰ دهقان تظاهر کننده را به گلوله بستند. دولت تعداد کشته شدگان را ۱۲ نفر اعلام کرد. بنابر گزارش خبرگزاریها بر اثر این یورش جنايتکارانه ۲۵ نفر کشته شده و چند صد نفر مجروح شده اند. پلیس ۱۴ تن از تظاهر کنندگان را نیز دستگیر کرده است. به دنبال این جنايت، مذاکرات انقلابیون با دولت فیلیپین برای دستیابی به صلح در این کشور، از سوی نیروهای انقلابی قطع شد.

دهقانان با راهپیمایی خود به سوی مقر ریاست جمهوری قصد داشتند بر خواست خویش مبنی بر انجام اصلاحات ارضی ریشه ای در فیلیپین تاکید ورزند. دهقانان اعلام کرده اند در صورت عدم اقدام دولت در مورد تقسیم زمینهای مصادره شده، خود را سا اقدام به این کار خواهند کرد.

علی رغم وعده های آکینو، رئیس جمهور فیلیپین، در قانون اساسی جدید که در روز ۲ فوریه به همه پرسی گذاشته خواهد شد، از اصلاحات ارضی

اطلاعه رسمی دولت چین پیرامون تحولات سیاسی این کشور

تظاهرات دانشجویان چین در آغاز سال ۱۹۸۷ قاعدا کرده اند.

ژائو زیانگ دبیرکل جدید حزب کمونیست چین طی دیداری با یک هیأت از دفتر سیاسی حزب سوسیالیست کارگران مجارستان گفت وی به عنوان دبیرکل حزب نخست وزیر چین طبق برنامه قبلی در ماه ژوئن از پنج کشور سوسیالیستی اروپا بازدید به عمل خواهد آورد. به گفته منابع آگاه در پکن، ژائو زیانگ در این دیدار اظهار داشت هویائو یانگ دبیرکل پیشین حزب کمونیست چین از مدت ها پیش از تظاهرات اخیر دانشجویان به علت "نقض جدی مشی ایدئولوژیک و سیاسی حزب" مورد انتقاد قرار گرفته بود. اما وی بدون توجه به این انتقادات علانم گسترش نگران کننده گرایشهای بوروا-لیبرالی را نادیده گرفته و حتی از طریق تحمل این گرایشها، بطور غیر مستقیم از آنها حمایت کرده بود.

همانگونه که در شماره پیشین "اکتریت" گزارش دادیم، هویائو یانگ دبیرکل حزب کمونیست چین در روز جمعه ۱۶ ژانویه از مقام خود کناره گرفت و ژائو زیانگ عهده دار وظایف دبیرکل حزب گردید. هویائو یانگ عضویت خود را در دفتر سیاسی حزب حفظ کرده است.

در اطلاعات خبرگزاری رسمی شین هوا در این مورد آمده است رهبری چین مصمم است به اصول بنیادین حزب کمونیست چین و سوسیالیسم وفادار مانده به شدت علیه لیبرالیسم بورژوازی مبارزه کند.

در روز پنجشنبه ۲۲ ژانویه لوژیاشی و یان دونگ ش رئیس و معاون رئیس آکادمی علوم چین از سمت خود برکنار شدند. این تصمیم در آخرین روز نشست کمیته دائمی کنگره خلق، پارلمان چین اعلام شد. برخی ناظران این برکناری ها را در رابطه با

نتایج موفقیت آمیز رشد اقتصاد شوروی در سال ۱۹۸۶

۱۹۸۵) بود. حجم مبادلات خارجی اتحاد شوروی به علت کاهش شدید بهای مواد سوختی در بازارهای غرب در سال گذشته ۸ درصد کاهش یافت. با محاسبه این کاهش قیمت ها، رقم رشد واقعی حجم مبادلات خارجی ۲ درصد بوده است.

گزارش مزبور حاکی است پیش بینی های برنامه برای بهبود کیفیت و مدرنیزه کردن تولید در اتحاد شوروی همچنان بطور ناقص تحقق یافته است. کیفیت و سطح فنی بسیاری از کالاها همچنان نازل است.

به گزارش موسسه مرکزی آمار اتحاد شوروی در مسکو، تولید صنعتی این کشور در سال ۱۹۸۶ در مقایسه با سال پیش ۴/۹ درصد و درآمد ملی ۴/۱ درصد افزایش یافت. گرایش منفی کاهش آهنگ رشد اقتصادی از میان رفته است.

در سال ۱۹۸۶ در اتحاد شوروی ۲۱۰/۱ میلیون تن غله برداشت شده که نسبت به متوسط سالانه ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ نزدیک به ۱۶ درصد و نسبت به محصول سال ۱۹۸۵ بیش از ۱۰ درصد افزایش نشان می دهد. تولید کشاورزی در مجموع در سال ۱۹۸۶، ۹ درصد بیش از میزان متوسط آن در برنامه پنج ساله پیش (۱۹۸۱ تا

هیات نمایندگی سازمان دانشجویان پیشگام ایران در ششمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هندوستان

مرکزی سازمان دانشجویان پیشگام ایران را قرائت کرد. در ابتدای این پیام خطاب به فدراسیون دانشجویان هندوستان آمده است: "نقش ارزنده شما در سازماندهی و هدایت مبارزات دانشجویان هندوستان جای مباهات دارد. پیروزی‌ها و موفقیت‌های شما برای ما و همه نیروهای انقلابی جهان شادی آفرین است."

در بخشی از این پیام با اشاره به اوضاع ایران آمده است: "بر دانشگاه‌های کشور ما وضعیت فاجعه‌باری حکمفرماست. در هر دانشگاه ستادی برای اعزام اجباری دانشجویان به جبهه‌های جنگ ایجاد شده است."

در طول کنفرانس هیات نمایندگی سازمان دانشجویان پیشگام طی دیدارهای دوستانه‌ای با سایر هیات‌های نمایندگی، آنها را در جریان آخرین تحولات سیاسی میهن ما قرار داده از فعالیت "سازمانگرا" و تبلیغی پیشگامان در میان توده‌های جوان میهن ما در مبارزه علیه جنگ، ترور و خفقان سخن گفت.

در این کنفرانس در قطعنامه علیه جنگ و در هم بستگی با فدائیان خلق صادر گردید که متن آنها در صفحه ۲ همین شماره نشریه درج شده است.

به دعوت فدراسیون دانشجویان هندوستان هیات نمایندگی سازمان دانشجویان پیشگام ایران در ششمین کنفرانس سراسری این فدراسیون که از تاریخ ۱۱ تا ۱۵ دسامبر (۲۰ تا ۲۴ آذر) در شهر وجیوادا - هندوستان برگزار گردید، شرکت کرد. از دیگر مدعوین این کنفرانس سازمانهای دانشجویی اتحاد شوروی، چین، مغولستان، افغانستان، بنگلادش، آفریقای جنوبی، نیال، جمهوری دمکراتیک صحراء عراق، فلسطین و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران بودند.

نماینده سازمان دانشجویان پیشگام ایران در گردهمایی پرشکوهی که در اولین روز برگزاری کنفرانس با شرکت قریب به صد هزار تن تشکیل شده بود، به سفرانی پرداخت. وی ضمن آرزوی پیروزی برای فدراسیون دانشجویان هندوستان، همبستگی رزمجویانه دانشجویان پیشگام را با دانشجویان مترقی و پیکارجوی هندوستان و سایر کشورهای جهان اعلام نمود.

در دومین روز کنفرانس که بخشی از آن به قرائت پیام‌های تبریک سازمانهای دانشجویی شرکت کننده اختصاص داشت. نماینده دانشجویان پیشگام پیام کمیته

پس از بازجویی اول

سلول را با انکشت لمس می‌کنی: یک زیلوی زهر و بیخ زده. در سلول دیگری را کشودند و مدتی بعد صدای بستن در بزرگ. نه این بار، اما بزودی سراغ من هم می‌آیند. از سرما بدنت به لرز می‌افتد. با هر تکان کوچک پا احساس می‌کنی هزاران سوزن بر کف پایت فرو می‌رود. شلاق بر پای متلاشی شده حتما دردناک‌تر خواهد بود. تمام بدنت کوفته است. چه خواهد شد؟ می‌ترسی؟ یاد رفقاییت می‌افتی، یاد کارهایی که امروز باید می‌کردی، یاد خانواده‌ات، پادشاه آلهایی که دوستان داری. باز آنها را خواهی دید؟ تصاویر به سرعت از ذهنت می‌گذرند: تصاویری از کارخانه، خم و راست شدن چند هزار باره در مقابل ماشین پرس، جسد کودکی که از زیر آوار بیرون آوردی، های‌های گریه کارگری که با آن همه سابقه‌کار اخراج شده بود، نگاه بی‌تازه مادر، بر شماره قبر فرزند اعدام شده‌اش و... و نگاه‌های گستاخ و چهره‌های نفرت انگیز آن لاشخورها. چه خواهد شد؟ چه جز مقاومت به چیز دیگری نمی‌توانی بپایندی. می‌دانی که از این آزمون سرفراز بیرون خواهی آمد...

در کف سلول افتاده‌ای، سلولی که پس از بهوش آمدن پی می‌بری در آن تنها خودت هستی ۱۱ ساعت، ۲۰ ساعت و شاید هم بیشتر از زمان دستگیری‌ات می‌گذرد. پاهایت را می‌نگری: گروشتی نیم پخته و خونالود. احساس می‌کنی قلبت در پاهای ورم کرده و سنگین می‌تپد. بتدریج تشنج و لرزش غیرارادی آرام می‌گیرد. سرمای سلول در بدنت می‌نشیند. هنوز چیزی به تو نگفته‌اند. فقط زده‌اند که بگو! قرائت را بگو! مسئولیت را بگو! سازمانت را بگو! فعالیتت را بگو! و تو هیچ نگفته‌ای. دور و برت را نگاه می‌کنی. پاهایت یک وجب بادر، که انگار آهنی است، فاصله دارند. اما سرت چیزی نمانده به دیوار این طرف بچسبد. شانه‌ات به دیوار سمت چپ در تماس است. دستت را اگر دراز کنی شاید به دیوار مقابل بخورد. بالای چارچوب در ۶ ردیف میله آهنی است. بر میله‌ها تور سیمی نصب شده است. پشت تور سیمی یک لامپ ضعیف کورسو می‌زند. بوی ماندگی و چرک در سلول پیچیده است. بوی خون تازه هم احساس می‌شود.

از بیرون صدای باز و بسته شدن یک در آهنی می‌آید. سراغ من می‌آیند؟ سرما در اعصاب بدنت نفوذ می‌کند. کف می‌شوند.

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه رسید بانکی پرداخت بهای اشتراک (و یا معادل آن گوبین بین المللی بستی)

به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "کار":	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":
مارک ۱۳	مارک ۱۱	☐ شش ماهه	☐ سه ماهه
" ۲۴	" ۲۱	☐ یک ساله	☐ یک ساله

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراک نشریه "اکثریت":	بهای اشتراک نشریه "کار":
مارک ۳۰	مارک ۲۷	☐ شش ماهه	☐ سه ماهه
" ۵۸	" ۵۲	☐ یک ساله	☐ یک ساله
" ۱۱۵	" ۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)



فدائیان خلق ایران (اکثریت) - آلمان فدرال

ایتالیا: جنگ ایران و عراق، مسابقه مرگ

ایران و عراق پرداخت. از جمله روز ۱۱ دی ماه، نماینده این کمیته در یک گردهمایی صلح که علیرغم سرما و یخبندان شدید صدها نفر از شهروندان شهر پوتنزا در آن شرکت کرده بودند، درباره جنگ و پیامدهای مخرب آن سخنرانی کرد. وی گفت "این جنگ، بقیه در صفحه ۱۲

بنابه دعوت صلح دوستان کاترولیک استان "بازیلیکاتا" - ایتالیا، "کمیته صلح ایران و عراق در ایتالیا" با شرکت در چند آکسیون صلح در این استان به افشای سیاستهای ضد خلقی و جنایات جنگی رژیم‌های خمینی و صدام حسین و نقش امپریالیسم آمریکا در تداوم جنگ

AKSARIYAT

NO. 142

MONDAY JAN 26.87

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN

BAWAG

(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)

NR. 02910701-650

DR. GERTRAUD ARTNER